

لنین

کار در جامعه

سوسیالیستی



ترجمه ع. افق

دیجیتال کننده: نینا پویان

کارگران جهان متحد شوید

کار در جامعه

سوسیالیستی

و.ای. لنین

ترجمه ع. افق

یادداشت مترجم :

"کار درجا معه سوسیا لیستی" مجموعه ایست از بعضی از آثار و سخنرانیهای لنین پیرامون کار و سازماندهی آن درجا معه سوسیا لیستی که توسط ناشر متن انگلیسی در سال ۱۹۷۹ گردآوری شده است .

بعضی از مقالات این کتاب قبلاً "فارسی ترجمه شده است که مترجم کتاب حاضر پس از بررسی و تطبیق آنها با متن اصلی و تصحیحات لازم ، از آنها استفاده نموده و بقیه مقالات ترجمه نشده را خوب فارسی برگردانده و بعد از یک ویرایش کلی بصورت حاضر درآورده است .

سپمن ۱۳۵۸ ع . افق

فهرست

- ۷ دولت و انقلاب "۲ آموزش مارکسیم درباره دولت و وظایف پرولتاریا در انقلاب"
- ۸ چگونه باید مسابقه را سازمان داد؟
- ۱۹ از "طرح کلی پیش نویس برنامه"
- از متن اصلی مقاله "وظایف فوری دولت شوروی"
- ۲۱ فصل هشتم
- ۲۴ فصل دهم
- از "وظایف فوری دولت شوروی"
- ۲۷ بالابردن بهره دهی کار
- ۲۹ ترتیب امر مسابقه
- ۳۲ از "شش تز پیرامون وظایف فوری دولت شوروی"
- ۳۳ از "پیش نویس برنامه حزب کمونیست شوروی (بلشویکها)"
- چگونه زحمتکشان میتوانند از ستم زمینداران و سرمایه -
- ۳۶ داران برای همیشه خلاص شوند؟
- ۳۷ ابتکار عظیم
- از "گزارش پیرامون سوبوتنیک ها" به یک گروه مآیی
- ۶۰ حزب کمونیست شوروی (بلشویکها) در شهر مسکودر ۲۰
دسامبر ۱۹۲۰

- از سخنرانی در سومین کنگره اتحادیه کارگران سراسری
 روسیه ۲۷ آوریل ۱۹۲۰
 ۶۳
- از فروپاشیدگی نظام کهن به خلافت نظام نوین
 ۶۴
- سخنرانی در گردهمایی گذاشتن سنگ بنای یادبود کار
 آزاد شده اول مه ۱۹۲۰
 ۶۷
- از اولین سوبوتنیک در راه آهن مسکو - غازان
 تا سوبوتنیک روز کارگر سرتا سر روسیه
 ۶۸
- از "وظیفه سازمانهای جوانان"
 ۷۱
- از "گزارش پیرامون کار شورای کمیسارهای خلق به
 هشتمین کنگره سراسری شوراهای"
 ۷۴
- از سخنرانی در چهارمین جلسه کمیته اجرایی مرکزی
 سراسری روسیه
 ۷۵
- توضیحات
 ۷۶

دولت و انقلاب
آموزش مارکسیسم درباره دولت و وظایف
پرولتاریا در انقلاب

... مارکس همین جامعه کمونیستی را که تازه از بطن سرمایه‌داری پایه‌عرصه وجود نهاده و مهر و نشان جامعه کهنه را از هر لحاظ با خود دارد، " نخستین " مرحله یا مرحله پائینی جامعه کمونیستی می‌نامد.

اکنون دیگر وسایل تولید از تملک خصوصی افراد جداگانه خارج شده است. وسایل تولید متعلق به تمام جامعه است. هر یک از اعضای جامعه که سهم معینی از کار اجتماعاً لازم را انجام می‌دهد گواهی‌نامه‌ای از جامعه دریافت می‌دارد مبنی بر اینکه فلان مقدار کار انجام داده است و طبق این گواهی‌نامه از انبارهای اجتماعی مواد مورد مصرف، مقداری محصول متناسب با کارش دریافت می‌کند. بنابراین پس از وضع آن مقدار از ثمره کار که برای ذخیره اجتماعی کنار گذاشته می‌شود هر کارگر از جامعه همان مقداری را دریافت می‌دارد که به جامعه داده است.

اوت - سپتامبر ۱۹۱۷
مجموعه آثار،
جلد ۲۵، صفحه ۴۶۵
نشر پروگرس، مسکو ۱۹۶۴

چگونه باید مسابقه را سازمان داد؟

نویسندگان بورژواپیسته ها کاغذ در مدح رقابت و ابتکار فردی و سایر فضائل و مناقب عالیله سرمایه داران و نظام سرمایه داری سیاه کرده و میکنند. سوسیالیست ها را گناهکار میدانستند که مایل نیستند با اهمیت این فضائل پی ببرند و "طبیعت آدمیزاده" را بحساب آورند. ولی در حقیقت امر سرمایه داری اکنون مدتهاست تولید فابریکی بزرگ و کلان، بنگاه های سهامی، سندیکاها و سایر انحصارها را جایگزین تولید در مستقل کالائی نموده است، که در آن رقابت میتواندست بمقیاس کم و بیش وسیعی ابتکار، انرژی و جسارت اقدام را پرورش دهد. رقابت در شرایط این نوع سرمایه داری عبارتست از سرکوب بی سابقه و ددمنشانه روح ابتکار، انرژی و اقدام جسورانه توده های مردم، اکثریت عظیم مردم یعنی نود و نه درصد زحمتکش و نیستی عبارتست از تبدیل مسابقه به شادی مالی، خودکامی و خوش خدمتی در بین صدر نشینان نردبان اجتماعی.

سوسیالیسم نه تنها مسابقه را خاموش نمیکند، بلکه بعکس برای نخستین بار امکان میدهد آنرا واقعاً "بایک دامنه وسیع و واقعاً" در یک مقیاس توده ای بکار ببرند و اکثریت زحمتکش را واقعاً "بعرصه" آنچنان فعالیتی بکشانند که در آن بتوانند خود را جلوه گرا سازند، به استعداد های خود میدان دهند و قریح خود را که خلق منبع سرشار و دست نخورده آنست و سرمایه داری هزارها و میلیونها آنرا لگدمال میکرد و فرومیگرفت و مختنق مینمود، آشکار سازند.

اکنون که قدرت در دست حکومت سوسیالیستی است، وظیفه ما سازمان دادن مسابقه است.

آستانبوسان و کاسه لیسان بورژوازی سوسیالیسم را بمثابه یک سربازخانه متحدالشکل، بیروح و یکنواخت و بی صفا تصویر میکردند. چاکران کیسه پول و بندگان استثمارگران - یعنی حضرات روشنفکران

بورژوازی - مردم را ، که همانا در دوران سرمایه‌داری به جبرخانه
وزندان ، کاربید و حساب و توان فرسای زندگی نیمه گرسنه و فقر شدید
محکومند ، از سوسیالیسم "میتراسانند" ، نخستین گام در راه راه‌نشی
زحمتکشان از قید این جبرخانه ، ضبط اراضی ملاکان ، برقراری کنترل
کارگری و ملی کردن بانکهاست . گام های بعدی عبارتست از ملی
کردن فابریکها و کارخانه‌ها ، سازمان دادن اجباری تمام اهالی
در شرکتهای مصرف که در عین حال شرکتهای فروش محصولاتند و نیـــز
عبارتست از انحصار دولتی بازرگانی غله و سایر مواد ضروری .

موجبات امکان ابراز ابتکار ، مسابقه و اقدام جسورانه در یک
مقیاس وسیع و حقیقتاً "توده‌ای فقط اکنون پدید می‌آید . هر فابریکی
که سرمایه‌داران از آن برون افکنده و یا لااقل بوسیله یک کنترل حقیقی
کارگری بروی لگام زده‌اند ، هردهی که ملاک استثمارگر را از آن طرد
کرده و زمینش را ستانده‌اند ، اکنون و تنها اکنون عرصه ایست که
در آن انسان اهل کار میتواند خود را نشان دهد ، پشت خود را اندکی
راست کند ، قد برافرازد و خود را انسان حس نماید . پس از قرنهای زحمت
برای دیگران و کاربنده وارد خدمت استثمارگران ، اکنون برای
نخستین بار امکان کار برای خود ، و آنهم کار متکی بر کلیه پیشرفتهای
تازه‌ترین تکنیک و فرهنگ بوجود آمده است .

البته ، این تبدیل کاربنده واربه کاربرای خود که بزرگترین
تغییر کار در تاریخ بشر است ، نمیتواند بدون اصطکاک ، دشواری و تصادم
و بدون اعمال قهر نسبت به مفتخواران سخت ریشه و آستان بوسان نشان -
انجام گیرد . در این باره هیچیک از کارگران توهمی ندارد : کارگران
و دهقانان تهیدست ، که در نتیجه سالیان دور در از کارشاق برای
استثمارگران و تحمل هتاکهای و تحقیرهای بیشمار از طرف آنان و
احتیاج شدید آبدیده شده‌اند ، میدانند که برای درهم شکستن مقاومت
استثمارگران وقت لازم است . کارگران و دهقانان ذره‌ای هم دچار
توهمات احساساتی حضرات جوجه روشنفکران ، این فرومایگان نووایا
ژبزن و غیره نیستند که بطرز خفکان آوری علیه سرمایه‌داران "فریاد
میکشیدند" و علیه آنها "ژست‌ها می‌آمدند" و آنها را "می‌کوبیدند"
تا همینکه کار به مرحله عمل و اجرای تهدیدات برسد ، یعنی برکناری

سرمایه‌داران جامعه عمل بپوشد، گریه وزاری سردهند و مانند طولی سگ لگدخورده زوزه بکشند.

عمل سترگ تبدیل کاربنده و اربکار برای خود، به کاریکه در یک مقیاس عظیم، در مقیاس سراسر کشور (و تا اندازه‌ای هم در مقیاس بین‌المللی جهانی)، از روی نقشه تنظیم شده باشد. - بجز اقدامات "نظامی" برای درهم شکستن مقاومت استثمارگران - مستلزم بذل مساعی عظیم سازمانی و سازماندهی از طرف پرولتاریا و دهقانان تهیدست نیز هست. وظیفه سازمانی با وظیفه سرکوب‌جنگی بی‌امان برده - داران دیروزی (سرمایه‌داران) و بان‌دوکران آنها - یعنی حضرات روشنفکران بورژوا - ارتباط ناگسستنی داشته و کل واحدی را تشکیل میدهد. برده‌داران دیروز و فرمانبران روشنفکرشان چنین میگویند و میاندیشند که "آری ما همیشه سازمانده و رئیس بوده‌ایم، ما همیشه فرمان داده‌ایم و می‌خواهیم همین‌طور هم باقی بمانیم. ما از مردم عامی یعنی کارگران و دهقانان حرف نخواهیم شنید، از آنها اطاعت نخواهیم کرد و معلومات خود را به سلاح دفاع از امتیازات کیسه پول و سیادت سرمایه‌بر مردم بدل خواهیم نمود".

چنین است گفتار رواندیشه و کردار بورژواها و روشنفکران بورژوا. از نقطه نظر منفعت پرستانه، رفتار آنها مفهوم است: برای کاسه لیسان و ریزه خواران خوان ملاکان، برای کشیشان و میرزاها و منصبدارانی از تیپ قهرمانان داستانهای گوگول و "روشنفکرانی" کسه بلینسکی^(۱) را منفور میداشتند نیز جدائی از نظام سرواز "دشوار" بود. ولی کار استثمارگران و چاکران روشنفکران خالی از امید است. کارگران و دهقانان مقاومت آنان را درهم میشکنند و گرچه این عمل را متاسفانه هنوز با استواری و قطعیت و بی‌امانی کافی انجام نمیدهند، ولی بهر جهت این مقاومت را درهم خواهند شکست.

"اینها" تصور میکنند که "مردم ساده"، کارگران "ساده" و دهقانان تهیدست از عهده انجام وظیفه سترگی که از نقطه نظر تاریخ - جهانی این کلمه حقیقتاً "قهرمانانه" است، یعنی وظیفه سازمانی که انقلاب سوسیالیستی بزحمتکشان محول نموده است، بر نخواهند آمد. روشنفکرانی که به خدمت سرمایه‌داران و دولت سرمایه‌داری خو گرفته

اند خود را تسلی داده و می‌گویند "بدون ما کارها از پیش نخواهد رفت". این حساب گستاخانه آنها درست در نخواهد آمد: افراد تحصیل کرده هم اکنون جدا شده و به خلق، به زحمتکشان گرویده بدرهم شکستن مقاومت نوکران سرمایه، یاری میرسانند. و اما قرایح سازماندهی در بین دهقانان و طبقه کارگر فراوانست و این قرایح تازه دارند از خود با خبر می‌شوند، از خواب برمی‌خیزند، بسوی کار عظیم و پرجوش و خلاق رو آور می‌گردند و مستقلاً "دست‌بکار ساختمان جامعه" سوسیالیستی میشوند.

یکی از عمده‌ترین و یا خود عمده‌ترین وظائف کنونی عبارتست از بسط هرچه بیشتر دامنه این ابتکار را بالاستقلال کارگران و بطور کلی زحمتکشان و استثمارشوندگان در رشته کار خلاق سازمانی، بهر قیمتی شده باید این خرافه کهنه، باطل، ناهنجار، پلید و ردیلا نه را از میان برانداخت که گویا امرکشورداری و اداره بنای سازمانی جامعه، سوسیالیستی فقط از عهده، با اصطلاح "طبقات فوقانی"، فقط از عهده، طبقات ثروتمند یا کسانیکه مکتب طبقات ثروتمند را دیده اند ساخته است. این یک خرافه ایست که پایه آن بر کهنه پرستی پوسیده و جامد فکری و عادت غلامانه و از آنهم بیشتر بر سودورزی پلید سرمایه دارانی متکی است که نفعشان در اینست که با غارتگری کشورداری و با کشورداری غارتگری نمایند. نه. کارگران دقیقه‌ای هم فراموش نخواهند کرد که به نیروی داناتی نیاز مندند. اشتیاق خارق العاده ای که کارگران به امر تحصیل نشان میدهند و همانا اکنون نشان میدهند، ثابت میکند که از این لحاظ پرولتاریا راه خطانمی پوید و نمی تواند هم بیوید. ولی کار سازماندهی از عهده کارگر عادی و دهقان باسواد و آدم شناس و دارای تجربه عملی نیز برمی آید. چنین افرادی در بین "مردم عامی" که روشنفکران بورژوا با تفرعن و بی اعتنائی از آنها سخن میگویند، فراوانند. چنین قرایحی در بین طبقه کارگر و دهقانان منبع دست نخورده و بسیار سرشاری دارد.

کارگران و دهقانان هنوز "بیمناکند" و هنوز با این واقعیت خونگرفته اند که آنها اکنون طبقه حکمفرما هستند و هنوز بحد کافی قاطعیت ندارند. انقلاب نمیتوانست این صفات را بیکباره در بین

میلونها افرادیکه گرسنگی و احتیاج آنها را سراسر عمریکا رد زیر
تاریانه مجبور میساخت ، ایجاد کند . ولی نیروی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷
و جان داری و شکست ناپذیری آن درهمین است که این صفات را بپسندار
میکنند ، تمام موانع کهن را درهم میشکنند ، بندهای فرتوت را از هم
میگسلد و زخم تکشان را براه خلافت با استقلال زندگی نوین میاندازد .
حساب و کنترل - وظیفه اقتصادی عمده هریک از شوراهای
نمایندگان کارگران ، سربازان و دهقانان ، هریک از شرکتهای مصرف ،
هریک از اتحادیه های کمیته های کارپردازی ، هریک از کمیته های
فابریک و کارخانه و یا بطور کلی ارگانهای کنترل کارگریست .

مبارزه با عادت کهنه ای که افراد بموجب آن بمیزان کار و
وسائل تولید از نظریک انسان مقید نگریسته و در فکر این بودند که
چگونه باید از زیر فشار بارزاد خلاص شد و لقمه ای هم شده از چنگ
بورژوازی ربود - مبارزه ای ضروریست . این مبارزه راهم اکنون
کارگران پیشرو آگاه آغاز نموده و بنحوی قاطع دست رد بر سین
غریبه های محیط کارخانه میگذارند ، که بخصوص در زمان جنگ تعداد
آنها زیاد شده و اکنون هم میخواهند به کارخانه خلق ، به کارخانه ای
که بمالکیت خلق درآمده است ، با همان یگانه طرز تفکر سابق
بنگرند ، یعنی "لقمه بزرگتری بر بایند و در بر روند" . تمام عناصر
آگاه و پاکدامن و فکور در بین دهقانان و توده های زحمتکش در این
مبارزه جانب کارگران پیشرو را خواهند گرفت .

حال که سلطه سیاسی پرولتاریا بوجود آمده و تا مین گردیده
است ، گنه اصلاحات سوسیالیستی عبارت خواهد بود از حساب و کنترل ،
هرآینه این حساب و کنترل از طرف شورا های نمایندگان کارگران ،
سربازان و دهقانان که قدرت عالییه دولتی هستند باید ستور و بسا
اختیاراتی که از طرف این قدرت تفویض میگردد انجام گیرد - حساب
و کنترلی که جنبه همه جایی و همگانی و عمومی داشته باشد و کمیت کار
و توزیع محصولات را تحت حساب و کنترل درآورد .

حساب و کنترلی که برای انتقال به سوسیالیسم ضرورت دارد ،
نقطه میتواند توده ای باشد . فقط همکاری داوطلبانه و از روی وجدان
و توأم با شور و انقلابی توده های کارگر و دهقانان در امر حساب و کنترل

برشروتمندان، شیادان، مفتخواران و اوباشان است که میتوانند بر این پس مانده‌های جامعه ملعون سرمایه‌دارای، برای فصولات بشری، برای این اعضاء قطعا "گندیده و کرخت"، برای بیماری واگیر، برای این طاعون و جراحی که از سرمایه‌داری به سوسیالیسم ارث رسیده است، غلبه کند.

کارگران و دهقانان، زحمتکشان و استثمارشوندگان! زمین، بانکها و کارخانه‌ها با مالکیت تمام مردم درآمدی است! امر حساب و کنترل تولید و توزیع محصولات را خودتان بدست بگیرید. راه نیل به پیروزی سوسیالیسم، وثیقه پیروزی آن، وثیقه پیروزی بر هرگونه استثمار و هر نوع احتیاج و فقر در این و فقط در این است! زیرا در روسیه غله، آهن، چوب، پشم، پنبه و کتان برای همه کفایت میکند، فقط باید کار و محصول را بدرستی تقسیم کرد، فقط باید این تقسیم را تحت کنترل جدی و عملی تمام مردم قرارداد دونه تنه‌ها در رشته سیاست بلکه در زندگی اقتصادی روزمره دشمنان مردم یعنی ثروتمندان، کاسه لیسان آنان و سپس شیادان و مفتخواران و اوباشان نیز پیروز گردید.

بر این دشمنان مردم، بر این دشمنان سوسیالیسم، برای این دشمنان زحمتکشان هیچگونه رحمی روا مباد! بپایه جنگ حیات و ممانعت علیه ثروتمندان و کاسه لیسان آنان یعنی روشنفکران بورژوازی، بجنگ علیه شیادان و مفتخواران و اوباشان! هم اینها و هم آنها، هم اولیها و هم آخریها، برادران تنی، فرزندان سرمایه‌داری، نورچشان جامعه، اشرافی و بورژوازی هستند، جامعه‌ای که در آن مستی ناچیز هستی مردم را به غارت می‌بردند، مردم را بسخره می‌گرفتند. جامعه‌ای که در آن فقر و نیاز هزاران و هزاران نفر را براه اوباشی و مزدورپیشگی و شیادی و فراموشی سحیه انسانی میانداخت، جامعه‌ای که در آن ناگزیر این شوق در زحمتکشان پرورش می‌یافت که ولو از راه فریب هم شده از استثمار بگریزند، ولو برای یک دقیقه هم شده از زیر کار بیزارکننده طفره روند و خلاصی یابند و از هراهی شده و بهر قیمتی شده لقمه نانی بر بایند تا گرسنه نمانند و خود و نزدیکان خود را نیمه گرسنه احساس نکنند.

ثروتمندان و اوباشان سروه یک کربابند، اینها - دو گروه عمده از طفیلیهای دست پرورده، سرمایه داری هستند، اینها - دشمنان عمده سوسیالیسم اند، این دشمنان را باید تحت نظارت خاص تمام اهالی قرارداد و بمحض کوچکترین تخلف از مقررات و قوانین جامعه، سوسیالیستی، باید بیرحمانه آنها را بکیفر رساند. کوچکترین اظهار ضعف، کوچکترین تزلزل و کوچکترین ابراز احساسات در این مورد بزرگترین جنایت در حق سوسیالیسم است.

برای اینکه زیان این طفیلی ها به جامعه، سوسیالیستی نرسد باید مرحله حساب و کنترل مقدار کار و تولید و توزیع محصولات را طوری سازمان داد که تمام مردم در آن شرکت داشته باشند، میلیونها کارگر و دهقان داوطلبانه، مجدانه و با شور انقلابی از آن پشتیبانی نمایند. و برای سازمان دادن باین حساب و کنترل که عملی نمودن آن برای هر کارگر و دهقان پاکدامن و فهیم و کاردان کاملاً میسر است و کاملاً از عهده وی ساخته است، باید قریح سازماندهی خودآنان، قریحی را که از درون خودآنان منشاء گرفته باشد، بعرصه زندگی کشاند، باید برای نیل به موفقیتهای سازماندهی حس مسابقه را در آنها برانگیخت و این مسابقه را بمقیاس تمام کشور بر راه انداخت، باید کارگران و دهقانان فرق بین مشورت گوئی ضروری از طرف یک فرد تحصیل کرده و کنترل ضروری از طرف کارگران و دهقانان "ساده" بر ولنگاری را که اینقدر در بین افراد تحصیل کرده عادیست، بروشنی درک نمایند.

این ولنگاری، لاقیدی، شلختگی، نامرتبی، شتابزدگی عصبی، تعامیل تبدیل کار به مباحثه و کردار به گفتار، تمایل دست زدن به هر کاری و هیچ کار برابری سرانجام نرساندن از خواص "افراد تحصیل کرده" است که بهیچوجه ناشی از طبیعت نکوهیده و بطریق اولی بدطینتی نبوده، بلکه ناشی از مجموعه عادات زندگی، شرایط کارآنان، خستگی مفرط، جدائی غیرعادی بین کار فکری و جسمی و غیره و غیره است.

در بین اشتباهات و نقائص و قصور انقلاب مانع آن اشتباهات و غیره که معلول این خواص اسفناک - ولی در لحظه فعلی ناگزیر -

روشنفکران محیط ما و معلول فقدان کنترل کافی کار سازماندهی
روشنفکران از طرف کارگران است، نقش کوچکی نیست.
کارگران و دهقانان هنوز "بیمناکند" آنها باید از این بیم
رهائی یابند و بدون شک خواهند یافت. بدون مشورت گوئی و دستورهای
رهنمون افراد تحصیل کرده و روشنفکران و کارشناسان نمیتوان کارها
را از پیش برد. هر کارگر و دهقان اندک فهمی بوجه احسن این نکته
را میفهمد و روشنفکران محیط ما نمیتوانند از کمی توجه و کمی احترام
رفیقانه کارگران و دهقانان شکایت کنند. ولی مشورت گوئی و دستورهای
رهنمون یک مطلب و سازمان دادن با مرصع و کنترل عملی مطلب
دیگریست. روشنفکران ای چه بسا مشورت های بسیار عالی و دستورهای
رهنمون میدهند، ولی بهنگام عملی نمودن این مشورتها و دستورها،
بهنگام کنترل عملی این امر که گفتار به کردار تبدیل شود به
مضحک و سفیهانه و رسوائی آوری "بی دست و پا" و ناتوان از کار
درمی آیند.

اینجاست که بدون کمک و بدون نقش رهنمون پراتیسن های
سازمانده که از بین "مردم". از بین کارگران و دهقانان زحمتکش
برخاسته باشند بهیچوجه کار از پیش نمیرود. "این خدایان نیستند
که کوزه در کوزه میبزند" - کارگران و دهقانان باید این حقیقت
را محکمتر از هر چیز با طربسپارند. آنها باید بدانند که اکنون حلال
هر مشکلی کار عملی است و درست آن لحظه تاریخی فرارسیده است که
در آن تئوری به پراتیک تبدیل میشود، با پراتیک جان میگیرد، با
پراتیک اصلاح میشود و با پراتیک و ارسی میگردد و در آن این سخنان
مارکس بویژه صدق میکند: "هرگام جنبش عملی مهمترین دوجین
برنامه است" (۲) - هرگامی در راه لگام زدن واقعا "عملی" -
شروتمندان و شیادان و تقلیل عده آنها و قرار دادن آنها تحت حساب
و نظارت از یک دوجین استدلال نغز در باره سوسیالیسم مهمترین است.
زیرا "دوست من، تئوری تیره فام ولی درخت جاودان زندگی سرسبز
است" (۳).

باید مسابقه بین پراتیسن های سازمانده را که از بین
کارگران و دهقانان برخاسته باشند، سازمانده باید علیه هرگونه

شیوه، یک نهج و هرگونه کوششی برای مقرر داشتن یک شیوه، یکنواخت از بالا، که اینقدر مورد تمایل روشنفکران است، مبارزه کسرد. نه شیوه، یک دست و نه مقرر ساختن شیوه، یکنواخت از بالا هیچچیز نیست. هیچگونه وجه مشترکی با مرکزیت دموکراتیک و سوسیالیستی ندارد. بکار بردن تنوع در مورد جزئیات، خصوصیات محلی، در طرز برداشت کار، در شیوه‌های اجرای کنترل و در طرق نابودی و بی‌زیان نمودن طفیلی‌ها (یعنی ثروتمندان و شیادان، ولنگاران و قشقرق‌بازانی از میان روشنفکران و غیره و غیره) ناقض وحدت در نکات اصلی و اساسی و مهم نبوده بلکه موجب تأمین این وحدت است.

کمون پاریس نمونه، سترگی را از آمیختگی ابتکار، استقلال، آزادی عمل و وسعت دامنه عمل توده‌ها با مرکزیت‌داه و طلبانه و عاری از یک نهج نشان داد. شوراهای مانیزا همان راه میروند. ولی آنها هنوز "بیمناکند" هنوز جولان نیافته اند و هنوز به کار نوین و با عظمت و خلاقه خود در رشته، ایجاد نظام سوسیالیستی "اخت" نگرفته اند. باید شوراهای با جسارت و ابتکار بیشتری دست بکار شوند. باید هر "کمون" هر کارخانه، هر دهه، هر شرکت مصرف و هر کمیته، کارپردازی، خودمئابه سازمانده عملی حساب و کنترل کار و توزیع محصولات اقدام نمایند و با دیگران مسابقه بدهند. برنامه این حساب و کنترل، ساده و روشن و برای هر کس مفهوم و عبارت از اینست که همه نان داشته باشند، همه کفش محکم داشته باشند و لباسشان ژنده نباشد، مسکن گرم داشته باشند، از روی وجدان کار کنند و حتی یک شیاد (و از آن جمله از زیر کار در روها) هم آزاد نگردد و در زندان باشد و یا از طریق کار اجباری هر چه شاکتر کیفیت و حتی یک ثروتمند متخلف از مقررات و قوانین سوسیالیسم نیز نتواند از سرنوشت شیاد، که بحق باید سرنوشت ثروتمندان نیز باشد تن زند. "هر کس کار نمی‌کند، بگذارد نخورد" - این است فتوای عملی سوسیالیسم. اینست آنچه که باید عملاً به آن سرو صورت داد. اینست آن کامیاب‌بهای عملی که "کمونهای" ما سازماندهان ما از کارگران و دهقانان و بویژه روشنفکران باید بدان افتخار کنند. (بویژه روشنفکران، زیرا روشنفکران بسیار عادت کرده اند و بیش از حد عادت کرده اند بدستورات کلی و قطعنامه‌های خود افتخار کنند).

برای امر حساب و کنترل عملی ثروتمندان، شیادان و

مفتخواران باید از طرف خود کمونها و حوزه های کوچک ده و شهر هزاران شکل و شیوه تنظیم گردد و در عمل مورد آزمایش قرار گیرد. در اینجا تنوع -- وثیقه حیات و ضامن موفقیت در نیل به هدف واحد عمومی است: تصفیه سرزمین روسیه از لوث وجود هر نوع حشرات موزی، از کک ها -- شایدان، از ساس ها -- ثروتمندان و غیره و غیره. در یک جا باید دهها ثروتمند، یک دوجین شایدونیم دوجین کارگر را که از زیر کار در میروند (و بهمان طرز او باشانهای در میروند که بسیاری از حروفچینان پتروگراد و بویژه حروفچینان چاپخانه های حزبی در میروند) بزدان انداخت. در جای دیگر باید آنها را به مستراح پاک کنی واداشت. در جای سوم باید بهنگام خروج از زندان مجرد "کارتهای زرد" به آنها داد تا، مادامیکه اصلاح نشده اند، مردم آنها را مانند افراد مضرتحت نظارت خود داشته باشند. در جای چهارم باید از هر ده نفر مفتخوار، یک نفر راتیرباران کرد. در جای پنجم باید شیوه های گوناگون را با هم در آمیخت و از راه مثلا "رهائی مشروط، با اصلاح سریع عناصر قابل اصلاح از زمره ثروتمندان، روشنفکران بورژوا، شایدان و او باشان نائل آمد. هر چه شیوه ها متنوعتر باشد بهمان نسبت هم تجربه عمومی بهتر و غنی تر خواهد بود، بهمان نسبت موفقیت سوسیالیسم مطمئن تر و سریعتر خواهد بود و بهمان نسبت پراتیک بطرز آسانتری بهترین شیوه های وسائل مبارزه را ایجاد خواهند نمود -- زیرا فقط پراتیک قادر بر ایجاد است. در کدام کمون، در کدام محله، یک شهر بزرگ، در کدام فابریک و در کدام ده است که گرسنه نباشد، بیکار نباشد، ثروتمند مفتخور نباشد، رذل پیشه گانی از زمره نوکران بورژوازی، کارشکنانی که خود را روشنفکر مینما مندنباشند؟ در کجا بیشتر کار انجام گرفته است برای اینکه بهره دهی کاربالاترود؟ برای اینکه خانه های نوساز خوبی برای تهیدستان ساخته شود و تهیدستان در خانه های توانگران جا داده شوند؟ برای اینکه هر طفل متعلق به خانواده تهیدست از لحاظ دریافت یک بطری شیر صحیحا "تامین گردد؟ -- اینهاست مسائلی که باید بر اساس آنها مسابقه بین کمونها، آتشین ها، مجامع و شرکتهای مصرف و تولید و شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان گسترش یابد. در چنین کاریست که قریب سازماندهی در امر اداره کشور باید عملا"

برجسته گردیده و بالا کشیده شود. از این قرایح در بین مردم فراوان
است. فقط آنها را فرو گرفته اند. باید کمک کرد تا جولان گیرند.
آنها فقط آنها هستند که با پشتیبانی توده ها خواهند توانست روسیه
و امرسیالیسم را نجات بخشند.

دسامبر ۱۹۱۷

مجموعه آثار،

جلد ۲۶، صفحات ۱۵-۴۰۴

نشر پروگرس، مسکو ۱۹۷۷

از:

طرح کلی پیش نویس برنامه (۴)

ب) در زمینه اقتصادی :

سازمان سوسیالیستی تولید در سطح تمامی کشور: مدیریت توسط سازمانهای کارگری (اتحادیه های کارگری، کمیته های کارخانه وغیره) تحت رهبری کلی دولت شوروی، که تنها مرجع قدرت است.

این موضوع در مورد امور حمل و نقل و توزیع نیز صادق است (ابتدا انحصار دولتی "تجارت" و متعاقبا "از میان برداشتن کامل و قطعی" تجارت" و جایگزینی آن بوسیله توزیع برنامه ریزی شده و سازمان یافته از طریق انجمن های کارگران اداری امور بازرگانی و صنعتی، تحت رهبری دولت شوروی).

- سازمان دادن اجباری تمامی مردم در کمونهای مصرف و تولید در عین حال که (در حال حاضر) پول از بین برده نمی شود و معاملات خرید و فروش انفرادی توسط خانواده ها ممنوع نمی گردد، ماباید در حله اول انجام کلیه چنین معاملاتی را از طریق کمونهای مصرف و تولید بموجب قانون اجباری سازیم.

- باید اجرای کامل خدمات کار اجباری عمومی فوراً آغاز گردد و با احتیاط و بطور تدریجی دامنه آن به دهقانان خرده پا که بدون کار مزدوری از قبل کشت و کار خود زندگی می کنند کشیده شود:

اولین اقدام یا اولین گام بسوی خدمات کار اجباری عمومی باید معمول ساختن دفترهای بودجه مصرف کنندگان و معمول ساختن اجباری این دفترهای بودجه برای کلیه اشخاص مرفه باشد (اشخاصی با درآمد متجاوز از ۵۰۰ روبل در ماه، و سپس برای صاحبان موسساتی که کارگران روز مزد دارند و خانواده هایی که از خدمه استفاده می کنند و...).

دادوستدهم مجاز می باشد، البته نه از طریق کمون هر فرد و طی

مسافرتها، در بازار و غیره، بلکه باثبت اجباری معامله (در صورت تجاوز از یک مبلغ معینی) در دفتر ثبت مصرف کنندگان.

- تمرکز کامل امور بانکی در دست دولت و تمرکز کامل تمامی عملیات مالی تجاری در بانکها. تحت ضابطه درآوردن حسابهای جاری بانکی، گذارتدریجی به دوره ای که طی آن باید اجباراً " نزد بانکها حسابهای جاری افتتاح شود که اینکار باید ابتدا توسط بزرگترین موسسات و سپس توسط کلیه موسسات کشور صورت گیرد. سپردن اجباری پول نزد بانکها و انتقال آن تنها از طریق بانکها.

- تحت ضابطه درآوردن حسابداری و کنترل بر تمامی امر تولید و توزیع محصولات، این حسابداری و کنترل باید بدو " توسط سازمانهای کارگری و متعاقباً " توسط هر یک از اعضا و کلیه آنها صورت گیرد.

- سازمان دادن مسابقه بین (کلیه) کمونهای مصرف و تولید کشور برای بهبود تدریجی سازمان، انضباط و بازدهی کار بمنظور انتقال به تکنیکهای برتر و صرفه جویی در نیروی کار و مصالح و مواد و کاهش تدریجی ساعات کار به شش ساعات در روز و نیز تساوی تدریجی کلیه دستمزدها و حقوقهای کلیه مشاغل و درجات.

- اقدامات تدریجی و سیستماتیک برای آنکه تهیه آذوقه گروههای عظیم خانواده جای اقتصاد خانگی فردی خانواده های جدا را بگیرد.

مارس ۱۹۱۸

مجموعه آثار،

جلد ۲۷، صفحات ۷-۱۵۶

نشر پروگرس،

مسکو ۱۹۲۷

از :

متن اصلی مقاله
"وظائف فوری دولت شوروی" (۵)
فصل هشتم

... اوضاع آنچنان شکل گرفته است که ما می‌توانیم با سازمان دادن روشنفکران بورژوا از کمک آنها در حل مشکلات تازه سازمانی دولت شوروی استفاده کنیم .

این کمک را می‌توان با پرداختن حقوقهای گزاف به بهترین متخصصین در رشته‌های مختلف علوم - هم به شهروندان این کشور و هم به کسانی که از خارج دعوت می‌شوند - تامین نمود . طبعاً "ممکن است در یک جا معه پیشرفته سوسیالیستی پرداخت حقوق بیشتر به روشنفکران بورژوا نسبت به حقوقی که بهترین گروههای طبقه زحمتکش دریافت می‌کنند ، خیلی غیرمنصفانه بنظر رسد . بهر صورت * ... تحت شرایط واقعیت عملی ، باید این مشکل فوری را به وسیله پرداخت این حقوق های گزاف (غیرمنصفانه) به متخصصان بورژوا حل کرد . بطورمثال اگر ما دریابیم که برای سازمان دادن تولید در روسیه بر اساس شیوه‌های جدید و افزایش بازدهی کار و آموزش مردم خود در ایجاد دهنر کار کردن در شرایط بهتر می‌بایستی مثلاً "دو هزار متخصص ورزیده در زمینه‌های مختلف دانش از میان متخصصین روسی و یا حتی از میان خارجیان و مثلاً "آمریکاییان استخدام کنیم و ناچار از آن می‌بودیم که پنجاه یا صد میلیون روبل در سال به این متخصصین بپردازیم ، چنین هزینه‌ای از دیدگاه منافع اقتصادی و کلاً "از نقطه نظر کناره‌گذاشتن شیوه‌های فرسوده تولید و بکارگرفتن شیوه‌های جدید تر و نو تر ، کاملاً قابل تجویز است ، برای تعلیم شیوه‌ها و فنون بهتر تولید به مردم پرداخت چنین مبلغی ارزش دارد و ما باید آنرا بپردازیم ، چرا که

* این قسمت از جمله در متن اصلی ناخوانا بوده و لذا حذف شده است
(ناشر روسی)

بدست آوردن این تخصص امکان ندارد، مگر آنکه انقلاب سوسیالیستی در کشورهای دیگر به پیروزی رسد.

البته استفاده از راهنمایی و کارروشنفکران بورژوازمراه با کنترل درست آن توسط سازمانهای دموکراتیک زحمتکشان و شوراهای مسائل جدیدی ایجاد خواهد کرد لکن این مسائل کاملاً قابل حل خواهند بود و هیچ مشکلی راه ما را در حل این مسائل سد نخواهد کرد، زیرا ما در موقعیت کنونی هیچ راه دیگری برای سازماندهی برتر امر تولید نداریم.

در ادامه سخن باید گویم که سرمایه داری بزرگ، سیستم - هائی برای سازماندهی کار ایجاد کرده است که در شرایط کنونی استثمارتوده ها، نمایانگر خشنترین شکل برده داری می باشد و بر طبق آن اقلیتی - صاحبان وسائل تولید - کار اضافی، نیرو، خون و اعصاب زحمتکشان را در شیشه می کنند. در عین حال این سیستم ها آخرین کلام در سازماندهی علمی تولید هستند و به این خاطر باید توسط جمهوری شوروی سوسیالیستی مورد استفاده قرار گرفته و در خدمت حسابداری و کنترل تولید از یک طرف و افزایش بازدهی کار از طرف دیگر درآیند. مثلاً، سیستم مشهور تیلور^(۶) که به وسعت زیادی در آمریکا رایج است از آن جهت شهرت یافته است که آخرین کلام در استثمار بیرحمانه سرمایه داری می باشد. می توان فهمید که چرا این سیستم با چنان تنفر شدیدی از طرف کارگران مواجه شده است. در عین حال نباید لحظه ای فراموش کرد که سیستم تیلور نمایانگر پیشرفت عظیم دانش است که بطور سیستماتیک روند تولید را تجزیه و تحلیل نموده و راه رسیدن به افزایش عظیم در بازدهی کار انسان را نشان می دهد. تحقیقات علمی ای که سیستم تیلور باعث آغاز آن در آمریکا گردید، بویژه تحقیقاتی که آمریکائیان آنرا مطالعه متحرک می خوانند، اطلاعات مهمی بدست داد که به کارگران اجازه می داد تا در زمینه شیوه های عالی کار بطور کلی و سازماندهی کار بطور خاص آموزش ببینند. جنبه منفی تیلوریسم آن بود که این شیوه در شرایط بردگی سرمایه داری بکار گرفته شد و بعنوان وسیله ای برای بیرون کشیدن دوو سه برابر نیروی کار کارگران به نرخهای قدیمی دستمزد به خدمت

گرفته شد، بدون توجه به این مطلب که آیا کارگران استخدام شده می توانند این دو برابر یا سه برابر مقدار کار را در همان تعداد ساعت کار بدون آسیب به ارگان‌های بدن انسان با انجام رسانند یا خیر. جمهوری شوروی سوسیالیستی با وظیفه‌ای روبرو است که می‌توان بطور خلاصه آنرا به این ترتیب بیان کرد: ما باید با تقلیل زمان کار و بکار بستن شیوه‌های جدید تولید و آن سازمان کاری که به نیروی کار زحمتکشان آسیبی نرساند، سیستم تیلور و جنبه‌های علمی بازدهی آمریکائی کار را در روسیه معمول سازیم. برعکس، هرگاه سیستم تیلور توسط خود زحمتکشان بدرستی کنترل و بازیرکی اعمال گردد، می‌تواند بعنوان یک وسیله قابل اطمینان برای هر چه بیشتر کاهش دادن زمان کار اجباری برای تمام مردم زحمتکش خدمت نماید و بعنوان یک وسیله موثر برای مواجهه با وظیفه‌ای که می‌توان آنرا حدوداً "بشکل زیر بیان کرد، در مدت زمان نسبتاً "کوتاهی، بکار گرفته شود: شش ساعت کار بدنی در روز برای هر شهروند بزرگسال و چهار ساعت کار برای اداره ۱۰ مورد دولت.

بکار گرفتن چنین سیستمی مستلزم مهارت‌ها و تشکیلات جدید فراوانی خواهد بود. بدون شک این کار باعث ایجاد مشکلات عدیده‌ای برای ما خواهد شد و حتی مطرح کردن چنین وظیفه‌ای اگر در میان بخشهای معینی از خود زحمتکشان با مقاومت روبرو نشود لاقلاً باعث ایجاد سردرگمی در میان آنان خواهد شد. ما باید مطمئن باشیم که عناصر پیشرو در میان طبقه کارگر احتیاج چنین گذاری را درک خواهند کرد و میلیون‌ها نفر انسانی که از جیبه باز می‌گردند، یعنی کسانی که همگی جنگ را کنار گذاشته اند حدوداً کامل خسارات ناشی از آنرا می‌بینند و آشفته‌گی اقتصادی موجود در شهرها و دهات را مشاهده می‌نمایند. تمام اینها بدون شک زمینه شکل دادن عقاید عمومی را در این جهت فراهم ساخته و می‌توان مطمئن بود گذاری که طرحی تقریبی از آن در فوق ارائه گردید توسط تمامی عناصر درون طبقات زحمتکشی که اکنون آگاهانسه جانب دولت شوروی را گرفته اند بعنوان وظیفه‌ای عملی پذیرفته خواهد شد.

مجموعه آثار،
جلد ۴۲ صفحات ۸۱ - ۷۸
نشر پروگرس، مسکو ۱۹۶۹

مارس ۱۹۱۸

فصل دهم از جلد بیست و هفت مجموعه آثار

... برای سرمایه دار سازمان داخلی موسسه اش چیزی بود که با اسرار تجاری از دیده گان دنیای خارج پنهان شده بود، چیزی که بنظر می رسد او می خواست قدرت همه جانبه ای بر آن اعمال نماید و تنها فرمانده آن باشد، چیزی که نه تنها از انتقاد و دخالت خارج بلکه از دید دیگران نیز پنهان بود. برای دولت شوروی برعکس، این سازمان کار در هر موسسه بزرگ معین و در هر کمون ده خاص است که مسئله عمده بنیادی و میرم تمام زندگی اجتماعی را تشکیل می دهد. مطبوعات باید اولین و اصلی ترین وسیله برای افزایش برقراری انضباط زحمتکشان توسط خود آنان و گذار از شیوه های قدیمی و بیپهوده کار و یا شیوه های کم کاری جامعه سرمایه داری باشند، مطبوعات باید نواقص زندگی اقتصادی هر کمون کارگری را افشا کنند و بی رحمانه این نواقص را بر ملا سازند و صریحا "تمام زخمهای زندگی اقتصادی ما را به نمایانند و به این ترتیب برای مداوای این زخمها به عقاید عمومی زحمتکشان مراجعه کنند. بگذار مطالب روزنامه، ده بار کمتر به اخبار به اصطلاح روز (شاید هم بهتر باشد صد بار کمتر شود) اختصاص یابد ولی بجای آن صدها هزار میلیونها نسخه از مطبوعاتی که کلیه مردم را با نمونه هایی از چگونگی سازمان دادن امور در چند کمون کار دولتی که از دیگران پیشی می گیرند آشنا سازد انتشار یابد. هر کارخانه، هر شرکت تعاونی صنعتگران و موسسه کشاورزی، هر دهی که با بکار بردن قانون اجتماعی کردن زمین (۷) به کشاورزی نوین دست می زند اکنون به عنوان یکی از مبانی دمکراتیک قدرت شوروی، یک کمون مستقل با سازمان داخلی کارش می باشد. در هر یک از این کمونها افزایش برقراری انضباط توسط خود زحمتکشان، استعداد آنها برای کار به همراه متخصصان مدیریت، حتی از روشنفکران بورژوازی، دستیابی آنها به نتایج عملی از نقطه نظر افزایش با زدهی کار، صرفه جویی در کار انسانی و مراقبت از تولید در مقابل دزدی بی سابقه ای که از آن ما

بی اندازه در حال حاضر رنج می‌بریم - این آن چیزی است که باید محتوای اصلی مطبوعات شوروی ما را تشکیل دهد. این راهی است که ما می‌توانیم و باید آنرا ایجاد نمائیم تا نمونه‌ها قبل از هر چیزی به یک ضرورت اخلاقی و سپس اجباری برای سازمان دادن کار در روسیه شوروی تبدیل گردد.

در جامعه سرمایه داری نمونه‌های مکرری از سازمان دادن کمون‌های کار توسط مردمی که بطور مسالمت‌آمیز و بدون رنج امیدوار بودند که بشریت را به مزایای سوسیالیسم قانع ساخته و کاربرد آنرا اعمال کنند وجود داشته است. چنین نقطه نظری چنین شیوه‌های فعالیت تنها باعث ریشخند ما رگسست‌های انقلابی خواهد شد زیرا دست یافتن به هرگونه تغییرات ریشه‌ای با توسل به نمونه‌های مجرد تحت شرایط بردگی سرمایه داری در واقع رویائی کاملاً بیهوده بود که در عمل یابیه موسسات خرده‌پا، یابیه تبدیل این موسسات به نهادهای سرمایه داری کوچک منجر شده است.

برخوردی که از روی عادت همراه با ریشخند و توهین نسبت به اهمیت نمونه‌ها در اقتصاد ملی صورت می‌گیرد، حتی بعضی اوقات از جانب مردمی که هنوز هم تغییرات بنیادی بعد از کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا را درک نمی‌کنند، بروز می‌کند. از زمانی که مالکیت خصوصی زمین از میان رفته است و از وقتی که کارخانه‌ها تقریباً به عنوان مالکیت خصوصی موجودیتشان را از دست داده اند و بدون شک مالکیت خصوصی از آنها درآینده بسیار نزدیک رخت بر خواهد پیست (وضع تصویب‌نامه‌های مناسب در موقعیت کنونی برای دولت شوروی با اشکالی مواجه نیست)، نمونه کمون‌کاری که مشکلات سازمانی را بهتر از هر وسیله‌ای دیگر حل می‌کند اهمیت بسزایی کسب نموده است. درست در همین زمان باید مراقب باشیم که انبوه‌اشیائی که از ارزش فوق‌العاده برخوردار بوده و بشکل تجربه سازماندهی نوین تولید در هر یک از شهرها، موسسات و کمون‌های ده موجود است در اختیار توده‌ها قرار گیرد. ما هنوز هم زیر فشار زیاد عقاید عمومی کهنه‌ای که بوسیله بورژوازی اعمال می‌شود قرار داریم. اگر به روزنامه‌های خودنظری بیندازیم، براحتمی مشاهده خواهیم کرد که چه جای وسیع بی‌تناسبی به مسائلی که

بورژوازی مطرح می‌کند اختصاص می‌دهیم . مسائلی که بورژوازی قصد دارد با آنها توجه زحمتکشان را از وظایف عملی مشخص تجدید ساختار ساختمان سوسیالیستی منحرف سازد . ما باید مطبوعات خود را از یک ارگان احساسات برانگیز و از یک دستگاه صرفاً " انتقال دهنده اخبار سیاسی ، از یک ارگان مبارزه علیه دروغ پردازی بورژوازی - به وسیله ای برای بازآموزی اقتصادی توده‌ها ، بوسیله ای برای گفتن اینکه چگونه توده ها کار را به شیوه ای جدید سازمان دهند تبدیل کنیم - و ما اینکار را خواهیم کرد . نام موسسات یا کمونهای ده که به درخواستها و تقاضاهای برقراری انضباط و افزایش بازدهی کار پاسخ ندهند توسط احزاب سوسیالیستی در "فهرست سیاه" ثبت خواهد شد و یاد دررده موسسات ناسالم قرار خواهند گرفت که باید ترتیبات خاصی ، برای درمان آنها صورت گیرد و یاد دررده موسسات تنبیهی قرار خواهند گرفت که در این صورت تعطیل خواهند شد و شرکت کنندگان در آن بیک دادگاه خلق تحویل خواهند شد . معرفی اینگونه موسسات به مردم خود بخود موجب اصلاح زیادی گشته ، موجب جلب توده‌های وسیعی از مردم به مشارکت مستقل در تصمیم گیری پیرامون این مسائل - که از نزدیک مورد علاقه توده‌ها است - خواهد شد . دلیل آنکه کار بسیار کمی تاکنون در این زمینه صورت گرفته آنست که چیزی که از نظر عمومی در موسسات فردی و کمون‌ها به عنوان یک چیز قدیمی باقی مانده است در نظام سرمایه داری قابل درک می‌شود و حال آنکه در جامعه ای که خواهان دستیابی به سوسیالیسم است کاملاً بی معنی و توخالی است . نیروی نمونه‌ای که در جامعه سرمایه داری نمی‌توانست به نمایش درآید از اهمیت بسزایی در جامعه ای که مالکیت خصوصی زمین و کارخانه‌ها را نابود ساخته است برخوردار خواهد شد ، و این نه تنها از آن جهت است که شاید از نمونه های خوب در اینجا پیروی خواهد شد بلکه همچنین بخاطر آن است که نمونه‌های بهتری از سازمان دهی تولید ، ناگزیر با شکوفائی کار و افزایش میزان مصرف برای کسانی که این سازمان دهی بهتر را به انجام رسانند همراه خواهد بود .

مارس ۱۹۱۸

مجموعه آثار ،
جلد ۲۷ ، صفحات ۲۰۳-۶
نشر پروگرس ، مسکو ۱۹۷۷

از : وظایف فوری دولت شوروی (۸)
بالا بردن بهره‌دهی کار

درهرا انقلاب سوسیالیستی ، پس از آنکه مشکل تصرف قدرت حاکمه از طرف پرولتاریا حل شد و به نسبتی که در موارد عمده و بطور کلی مشکل سلب مالکیت از سلب مالکیت کنندگان و از بین بردن مقاومت آنان حل میشود با لزوم وظیفه اساسی ایجاد یک شکل اجتماعی عالیتری نسبت به سرمایه‌داری در نخستین سطح قرار میگیرد که عبارت است از بالا بردن بهره‌دهی کار و بدین مناسبت (و بخاطر این امر) دادن سازمان عالیتری به آن . حکومت شوروی مادرست در وضعی قرار دارد که در آن، در سایه پیروزیهای حاصله بر استثمارگران ، از کرنسکی^(۹) گرفته تا کورنیلیف^(۱۰) امکان یافته است با این وظیفه تماس بلاواسطه حاصل نمایند و کاملاً "دست بکار انجام آن گردید . و در اینجا بلافاصله دیده میشود که اگر قدرت مرکزی دولتی را میتوان در طرف چند روز تصاحب نمود ، اگر مقاومت جنگی (و کارشکنانه) استثمارگران را حتی در گوشه و کنار یک کشور بزرگ میتوان طی چند هفته از بین برد ، در عوض حل مشکل ارتقاء بهره‌دهی کار ربحجوی استوار ، در هر صورت (بویژه پس از دردناکترین و خانمانسوزترین جنگها) چندین سال وقت لازم دارد . طولانی بودن مدت کار را در این مورد بدون شک اوضاع و احوال عینی ایجاب میکند . اعتلای بهره‌دهی کار مقدم بر هر چیز لازمهاش تا مین پایه مادی صناعت بزرگ یعنی توسعه دامنه تولید سوخت ، آهن ، ماشین سازی و صنایع شیمیائی است . جمهوری شوروی روسیه از این لحاظ در شرایط مساعدی قرار دارد ، زیرا حتی پس از صلح برست^(۱۱) نیز ذخایر معدنی عظیم (در اورال) و سوخت در سبیری با ختری (ذغال سنگ) ، در قفقاز و جنوب شرقی (نفت) ، در مرکز (تورب) ، ثروت‌های عظیمی از جنگل ، نیروی آبی ، مواد خام برای صنایع شیمیائی (قره‌بوغاز) و غیره در اختیار دارد . بهره‌گیری از این ثروت‌های طبیعی با شیوه‌های تکنیک نوین پایه پیشرفت بی‌سابقه نیروهای مولده را فراهم خواهد آورد .

شرط دیگر بالا بردن بهره‌دهی کار اولاً عبارتست از اعتلای آموزشی و فرهنگی توده اهالی . این اعتلا اکنون با سرعت عظیمی

انجام می‌پذیرد ولی افرادیکه کهنه‌پرستی بورژوازی کورشان نموده آنرا نمی‌بینند و قادر بر درک این موضوع نیستند که در سایه سازمان شوروی اکنون شوق رسیدن به نوردانش و ابراز ابتکار چه دامنه‌ای در بیمن "قشرهای زیرین" خلق بخود گرفته است. ثانیاً "ارتقاء سطح انضباط زحمتکشان و بلند بودن طرز کار، سودمندی و پربهره‌گی کار و سازمان دادن بهتر به آن نیز شرط اعتلای اقتصادی می باشد.

از این لحاظ کار ما بخصوص خراب است و اگر بحرف کسانی که به ارعاب بورژوازی تن در داده و یا آزمندانه بوی خدمت میکنند بیاور نمایم، کار ما حتی نومیدانه است. این افراد نمی‌فهمند که هیچ انقلابی نبوده و نمیتواند باشد که در آن هواداران نظام قدیم درباره فروپاشیدگی و هرج و مرج و غیره داد و فریاد نکرده باشند. طبیعی است توده‌ها شیکه تازه طوق ستمگری وحشیانه و بیسابقه‌ای را از گردن خود بدورا فکنده اند در جوش و خروش ژرف و پیردامنه‌ای هستند و ایجا دمبانی نوینی برای انضباط کار از طرف توده‌ها، پروسه‌ای بس طولانی است و تا پیروزی کامل بر ملاکین و بورژوازی چنین کاری حتی شروع هم نمیتوانست بشود.

ولی ما بدون اینکه ذره‌ای به آن نومیدی اکثراً "ساختگی دچار شویم که بورژواها و روشنفکران بورژوازی (که از مدافعه امتیازات قدیمی خود نومید شده‌اند) شیوع میدهند، در عین حال بهیچوجه نباید شرعیان را پرده‌پوشی نمایم. بعکس ما آنرا آشکار خواهیم ساخت و بر شدت شیوه‌های شوروی مبارزه بر ضد آن خواهیم افزود، زیرا موفقیت سوسیالیسم بدون پیروزی انضباط آگاهانه پرولتری بر هرج و مرج خود بخودی خرده بورژوازی، یعنی بر همان هرج و مرجی که تضمین حقیقی اعاده احتمالی قدرت کرنسکیسم و کار نیلویسم میباشد، محال است. آگاهترین پیش‌آهنگ پرولتاریای روسیه هم اکنون وظیفه ارتقاء سطح انضباط کار را در برابر خود نهاده است. مثلاً، هم در کمیته مرکزی اتحادیه فلزسازان و هم در شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری در این باره به تعیین اقدامات لازم و تنظیم مصوبات پرداخته‌اند. از این کار باید پشتیبانی نمود و با تمام قوا آنرا بطوسوق داد. باید مسئله قطعه‌کاری^(۱۲) را در دستور روز قرار داد و آنرا عملاً بکار

بست و مورد آزمایش قرار داد عبارتست از پرداخت دستمزد در برابر کار کرد، بکار بردن بسیاری از آنچه که در سیستم تیلور علمی و مترقی است و نیز تطبیق میزان دستمزد با مجموع فرآورده های با نتایج بهره برداری حمل و نقل راه آهن و راه های آبی و غیره و غیره.

ترتیب امر مسابقه

از جمله مهماتی که بورژوازی با رغبت تمام دربارۀ سوسیالیسم اشاعه میدهد اینست که گویا سوسیالیستها منکرا همیست مسابقه هستند. ولی در حقیقت امر، فقط سوسیالیسم است که بنا برین بردن طبقات و بالنتیجه با برانداختن اسارت توده ها، برای نخستین بار راه مسابقه را واقعاً در یک مقیاس توده ای باز میکند. و همانا سازمان شورویست که با گذار از دموکراتیسم صوری جمهوری بورژوازی به شرکت واقعی توده های زحمتکش در اداره امور برای نخستین بار مسابقه را با دامنه وسیعی طرح مینماید. در رشته سیاسی این امر مراتب سهلتر است تا در رشته اقتصادی، ولی برای موفقیت سوسیالیسم بویژه قسمت اخیر مهم است.

یکی از وسائل ترتیب امر مسابقه یعنی مطلع ساختن افکار عامه را در نظر بگیریم. جمهوری بورژوازی این امر را فقط بشکل صوری تا مین مینماید ولی در عمل جراید را تابع سرمایه میکند، "عوام" را با مثنی مهمات سیاسی هیجان انگیز سرگرم مینماید و در پس سانس "اسرار بازرگانی" که حافظ "مالکیت مقدس" است، آنچه را که در کارگاهها، در معاملات بازرگانی و در کنتراتها و غیره روی میدهد، پوشیده مینماید. حکومت شوروی اسرار بازرگانی^(۱۳) را ملغی نموده و در راه جدیدی گام نهاده است، ولی برای استفاده از افکار عامه بمنظور مسابقه اقتصادی، ماهنوز تقریباً هیچ کاری انجام نداده ایم. باید، در عین سرکوب بیامان جراید بورژوازی که سراپا آمیخته با کذب و افتراآت و قبحانه است، بطور سیستماتیک دست بکار ایجاد آنچنان جرائدی شده توده ها را با مطالب هیجان انگیز سیاسی و اراجیسف سیاسی سرگرم سازد و تحمیق نکند بلکه بویژه مسائل اقتصادی روزمره

را در دسترس قضاوت توده قرار دهد و به بررسی جدی این مسائل کمک نماید. هر فابریک و هر دهی، یک کمون تولید و مصرف است که حق دارد و موظف است بشیوه خود قوانین عمومی شوروی را بکار بندد (غرض از "بشیوه خود" تخطی از این قوانین نبوده بلکه تنوع شکل‌های اجرای آنهاست) و بشیوه خود مشکل حساب را در رشته تولید و توزیع محصولات حل نماید. در رژیم سرمایه داری این عمل "کار خصوصی" هر سرمایه دار و ملاک و کولاک بود. ولی در شرایط حکومت شوروی این عمل کار خصوصی نبوده بلکه مهمترین کار دولتی است.

و ما هنوز تقریباً "بکار عظیم و دشوار، ولی در عوض برکت خیز ترتیب امر سابقه بین کمونها و معمول نمودن حساب و مطلع ساختن افکار عمومی در جریان تولید غله و تهیه لباس و غیره و تبدیلی گزارشنامه های بوروکراتیک خشک و بیجان به نمونه های زنده ای که هم دافع وهم جاذب باشند، - نپرداخته ایم. در شرایطیکه تولید بشیوه سرمایه داری انجام میگرفت نقش یک نمونه جداگانه مثلاً فلان آرتل تولیدکننده، ناگزیر بمنتهای درجه محدود بود و فقط توهومات خرده بورژوازی میتواندست در این سودا باشد که سرمایه داری از راه نفوذ و تاثیر نمونه هائی از مؤسسات نیکوکار "اصلاح گردد". پس از انتقال قدرت حاکمه سیاسی بدست پرولتاریا، پس از سلب مالکیت از سلب مالکیت کنندگان، وضع از بیخ و بن دگرسان میشود، - و بنا بر آنچه مشهورترین سوسیالیستها بکرات خاطر نشان ساخته اند، - نیروی یک نمونه برای نخستین بار امکان مییابد تا تاثیر خود را در مقیاس تولید ای ببخشد. کمونهای نمونه باید مربی، معلم و مشوق کمونهای عقب مانده باشند و خواهند بود. مطبوعات باید سلاح ساختمان سوسیالیست بوده مردم را مفضلاً با موفقیتهای کمونهای نمونه آشنا سازند، علل موفقیت آنها و شیوه های سازمان اقتصادی آنها را بررسی نمایند و از طرف دیگر نام کمونهای راکه "سنن سرمایه داری" یعنی هرج و مرج، تن پروری، بی نظمی و احتکار را با سرسختی محفوظ داشته اند، "در لوحه سیاه" وارد سازند. اما در جامعه سرمایه داری منحصرأ در بد اختیار "دیوانیان" یا متخصصین محدودی بود، - ولی ما باید آنها را در دسترس توده ها قرار دهیم و عامه را از آن آگاه سازیم تا بدین طریق

زحمتکشان رفته رفته بیا موزند خود درک کرده و مشاهده نمایند که چگونه و بجه میزانی باید کار کرد، چگونه و بجه میزانی میتوان استراحت نمود، ما باید این عمل را انجام دهیم تا مقایسه بین نتایج عملی اقتصاد کمونهای جداگانه مورد توجه و بررسی عموم قرار گیرد و کمونهای برجسته بیدرتنگ پا داس یا بند (از راه تقلیل روز کار طی یک مدت معین و افزایش دستمزد و واگذاری مقدار کثیری نعمتات و نفایس فرهنگی با هنری و غیره).

ما براه خود ادامه خواهیم داد و خواهیم کوشید با احتیاط و شکیبائی هر چه بیشتر سازماندهان حقیقی و افرادی را آزموده و از هر باره بشناسیم که دارای ذهن روشن و دراکه ای عملی هستند و وفاداری نسبت به سوسیالیسم را با این قابلیت در خود جمع دارند که بدون جنجال (و علی رغم شتابزدگی و جنجال) موجبات کار استوار، یکجا و متفق عده زیادی از افراد در درجه چهارچوب سازمان شوروی فراهم سازند. فقط چنین افراد را پس از آزمایشهای متعدد با ایداز ساده ترین وظایف بدشوارترین وظایف گماشت و بمقامات مسئولیتدار رهبری کار خلیق و رهبری امور کشور ارتقاء داد. ما هنوز اینکار را نیا موخته ایم. ولی خواهیم آموخت.

آوریل ۱۹۱۸

مجموعه آثار،

جلد ۲۷، صفحه ۸-۲۵۷ و

۶۱-۲۵۹ و ۳-۲۶۲

نشر پروگرس، مسکو ۱۹۷۷

از :

شش تزییرامون وظایف فوری دولت شوروی

۵ - اکنون اهمیت ویژه ای به اقدامات مربوط به افزایش انضباط و بازدهی کار داده می‌شود. باید برای گامهایی که تاکنون بویژه توسط اتحادیه های کارگری در این راه برداشته شده است، هرکوشی به عمل آید تا این امر ادامه، تحکیم و افزایش یابد. مثلاً این موضوع شامل معمول ساختن سیستم قطعه کاری و به کار گرفتن هرچه بیشتر موارد علمی و پیشرو در سیستم تیلور، پرداخت مزد مطابق با نتایج کلی کارکارخانه، بهره بردن از وسایل حمل و نقل راه آهن و کشتی و غیره را شامل می‌شود. این موضوع همچنین شامل تربیت دادن مسابقه بین کمونهای تولید و مصرف و انتخاب سازمان دهندگان و غیره می‌گردد.

آوریل - مه ۱۹۱۸

مجموعه آثار،

جلد ۲۷، صفحه ۳۱۶

نشر پروگرس، مسکو، ۱۹۷۷

از :

پیش نویس برنامه حزب کمونیست شوروی (بلشویکها)

وظایف کنونی دولت شوروی عبارتند از :

(۱) ادامه مستمر و خلع ید کامل از بورژوازی و تبدیل مالکیت وسایل تولید و توزیع به مالکیت جمهوری شوروی یعنی به مالکیت اشتراکی همه زحمتکشان ، که این کار اصولاً "به تکامل رسیده است .
(۲) توجه مخصوص و فراوان به رشد و تقویت انضباط رفیقانه در میان زحمتکشان و برانگیختن ابتکار و روح مسئولیت آنان در هر سرزمینه . این اگر وسیله منحصر بفرد غلبه کامل بر سرمایه داری و عادات ناشی از حکومت مالکیت خصوصی بر وسایل تولید نباشد مهمترین آنست . تنها می توان با کار آهسته و مستمر بازآموزی توده ها به این هدف نایل شد . این بازآموزی نه تنها اکنون که توده ها مشاهده کرده اند که صاحبان زمین ، سرمایه داران و تجار واقعاً "از میان برداشته شده اند امکان پذیر گشته است بلکه در واقع به هزاران طریق از راه تجربه عملی خود کارگران و دهقانان سزای انجام می شود .
در این زمینه بسیار مهم است که در راه سازمان دهی بیشتر زحمتکشان در اتحادیه های کارگری کار شود . در گذشته در هیچ جای دنیا هرگز این سازمان دهی بسرعتی که تحت نظارت دولت شوروی پیشرفت کرده ، پیشرفت نکرده است و باید تا زمانیکه تمام زحمت کشان در اتحادیه های کارگری متشکل ، متمرکز و منضبط نشده اند نیز پیش رود .
مانباید خود را به اشکال کهنه کلیشه ای جنبش اتحادیه کارگری محدود سازیم بلکه باید از یک طرف بطور سیستماتیک اتحادیه های کارگری را به ارگانهایی که اقتصاد را اداره می کنند تبدیل کرده ، با دقت هرگامی را که در مقابل نتایج کار عملی بر می داریم بررسی نمائیم .
باید پیوندهای بزرگتر و قویتری بین اتحادیه های کارگری و شورای عالی اقتصادی ، دستگاه کمیساری کار و سپس با تمام شعب دیگر ادارات دولتی برقرار گردد . از طرف

دیگر اتحادیه های کارگری بایده نسبت بیشتر و بطور کلی به —
ارگانهای کار و آموزش سوسیالیستی توده های زحمتکش مبدل شوند
تا تجربه عملی مشارکت در اداره امور به قسمتهای پایین تر
کارگران تحت کنترل پیشاهنگ آنان منتقل شود.

(۳) یکی از وظایف اساسی، افزایش میزان بازدهی کار
می باشد چرا که بدون آن گذار کامل به کمونیسم محال است. علاوه بر
کار طولانی آموزش توده ها و افزایش سطح فرهنگی آنها دستیابی به این
هدف به کار برد فوری، وسیع و جامع آن دسته از متخصصان که بعنوان
ماترک سرمایه داری در علم و تکنولوژی برای ما به جا مانده اند
و با جهان بینی وعادات بورژوازی اشباع شده اند احتیاج دارد.
حزب با اتحاد نزدیک با سازمانهای اتحادیه کارگری بایده راه قبلی
خود ادامه دهد. از یک طرف نباید کوچکترین امتیاز سیاسی به این
دسته مردم بورژوازی داده شود و هرگونه اقدام ضد انقلابی از جانب
آنان بایده بدون ترحم سرکوب گردد و از طرف دیگر مبارزه بیرحمانه ای
علیه این عقیده غیر بنیادی و ناآگاهانه و فریب خورده مبنی بر این
که زحمتکشان قادرند بدون آموختن از متخصصان بورژوا، بدون
استفاده از خدمات آنان و بدون دیدن آموزش کار طولانی دوش بدوش
آنان بر سرمایه داری و نظام اجتماعی بورژوازی غلبه کنند،
مبارزه نمایند.

گرچه هدف غایی ما همانا دست یافتن به کمونیسم کامل و
پرداخت مزد مساوی در قبال کلیه انواع کار می باشد مع هذا ما نمی توانیم
به فوریت و در حال حاضر یعنی زمانیکه تنها گامهای اولیه گذار از
سرمایه داری به کمونیسم برداشته می شوند این مساوات را برقرار
سازیم. لذا ما بایده برای مدت زمان معینی دستمزد گزاف کنونی
متخصصان را بمنظور دادن انگیزه ای به آنها برای کار بهتر و بدتر
از کار گذشته شان به آنها بپردازیم، و با همین هدف ما نباید روش
پرداخت پاداش برای کارهاییکه حاصل زیستترین موفقیت
میشوند و به ویژه کار سازمانی را از نظر دور سازیم. پاداش در نظام
کمونیستی کامل غیر مجاز است لیکن در دوره گذار از سرمایه داری به
کمونیسم نمی توان از پرداخت پاداش صرف نظر نمود. این نتیجه

ماحصل تشوری ویکسال تجربه دولت شوروی است .

بعلاوه ما باید پیوسته کار کنیم و با کار دست در دست توده های کارگران برهبری کمونیست های آگاه ، متخصصان بورژوا را در فضایی رفیقانه محصور نمائیم . ما نباید از شکستهای ناگزیر فردی ناخشنود گردیم بلکه باید با صبر و حوصله بکوشیم تا نفرت انگیز بودن بکار بستن دانش برای اندوختن ثروت شخصی و استثمار انسان از انسان را بمردمیکه برخوردار از دانش عملی هستند نمایانده ، در آنها آگاهی برای هدفی بالاتر ، یعنی هدف استفاده از دانش بمنظور آگاه ساختن زحمتکشان را برانگیزیم .

(۴) ساختمان کمونیسم بدون شک مستلزم شدیدترین وعظیم ترین تمرکز کار در سطح تمامی ملت می باشد و این مستلزم غلبه بر پراکندگی و عدم اتحاد کارگران حرفه ای و محلی کارگران است که این پراکندگی و عدم اتحاد یکی از منابع قدرت سرمایه و ضعف کار بود . مبارزه علیه تنگ نظری و محدودیتهای صنفها و مبارزه علیه خودستایی حاصله از آن از نزدیک با مبارزه برای از میان برداشتن اختلاف بین شهر و روستا رابطه ای نزدیک دارد . اینکار مشکلات عظیمی را در بردارد و نمی توان آنرا ابتدا بساکن و بدون دست یافتن به افزایش قابل ملاحظه ای در بازدهی کار خلق آغاز نمود . بهر صورت حتی اگر در ابتدا فقط در یک سطح کوچک محلی و از راه آزمایش بمنظور مقایسه نتایج اقدامات مختلف انجام یافته در حرف مختلف و مکانهای مختلف هم باشد ، باید اینکار را بلافاصله آغاز نمود . بسیج تمامی مردمی که شما "توانائی کار کردن دارند ، توسط دولت شوروی با مشارکت اتحادیه های کارگری برای کارهای معین عمومی باید بطور سیستماتیک و در سطح بسیار وسیعتر از آنچه که تا کنون بوده است ، صورت گیرد .

مجموعه آثار ،

فوریه ۱۹۱۹

جلد ۲۹ ، صفحات ۴-۱۱۲

نشر پروگرس ، مسکو ۱۹۶۵

چگونه زحمتکشان می‌توانند از ستم‌زمینداران
وسرمایه‌داران برای همیشه خلاص شوند*

دشمنان زحمتکشان یعنی زمینداران و سرمایه‌داران می‌گویند که کارگران و دهقانان نمی‌توانند بدون وجود آنها زندگی کنند. آنها می‌گویند "اگر ما نبودیم کسی وجود نداشت که نظم را برقرار سازد و کار در اختیار کسی قرار دهد و مردم را به کار وادارد. اگر ما نبودیم همه چیز سقوط می‌کرد و کشور از هم می‌پاشید. ما را بیرون رانده اند اما اغتشاش و هرج و مرج باعث بازگشتن ما خواهد شد". لکن این سخنان زمینداران و سرمایه‌داران باعث آشفتگی، هراس و یافریب کارگران و دهقانان نخواهد شد. یک ارتش به شدیدترین انضباط احتیاج دارد. به ترتیب کارگران مسلح به آگاهی طبقاتی در متحد ساختن دهقانان، در بخدمت گرفتن افسران سابق تزار و در ساختن ارتشی ظفرمند، توفیق حاصل کردند. ارتش سرخ، انضباطی قاطع و بی‌سابقه برقرار ساخت. ارتش مزبور اینکار را نه بضرر تازیانه، بلکه بر پایه هوشیاری، وفاداری و از خود گذشتگی خود کارگران و دهقانان با انجام رسانید.

به این ترتیب برای آنکه زحمتکشان برای همیشه از یوغ زمین دار و سرمایه‌دار نجات یابند، و برای آنکه از بازگشت سرمایه دار و زمین دار بقدرت در امان باشند، لازم است ارتش سرخ بزرگ کارگران را ایجاد نمود. اگر چنین ارتشی با انضباط کارگری تحکیم یابد، شکست‌ناپذیر خواهد شد. کارگران و دهقانان باید ثابت‌کنند که می‌توانند بدستی کار را تقسیم نمایند، انضباط و از خود گذشتگی را برقرار سازند، و به کار کردن در راه نفع همگان ایمان داشته، اینکار را خود بدون وجود زمینداران و سرمایه‌داران انجام دهند، و آنها اینکار را خواهند کرد.

انضباط کار، شور کار کردن، آمادگی برای از خود گذشتگی، اتحاد نزدیک بین دهقانان و کارگران - این همان چیزی است که زحمتکشان را از ستم زمینداران و سرمایه‌داران برای همیشه خلاص خواهد کرد.

مارس ۱۹۱۹

مجموعه آثار،

جلد ۲۹، صفحات ۵۱-۲۵۰

نشر پروگرس، مسکو ۱۹۶۵

* این سخنان روی صفحه گرامافون ضبط شده است.

ابتکار عظیم

(راجع به قهرمانی کارگران در پشت جبهه .
بمناسبت "شنبه های کمونیستی" (۱۴))

جراثید نمونه های بسیاری از قهرمانی سربازان سرخ ذکر
مینمایند. کارگران و دهقانان در مبارزه علیه سپاهیان کلچاک و
دنیکین و سایر سپاهیان ملاکین و سرمایه داران چه بسا معجزاتی از
دلاوری و بردباری نشان میدهند و از فتوحات انقلاب سوسیالیستی دفاع
مینمایند. امر بر انداختن پارتیزان مآبی و غلبه بر خستگی و
ولنگاری پاکندی و دشواری انجام میگیرد، ولی علی رغم همه موانع
در این کار پیشرفت حاصل است. قهرمانی توده های زحمتکش که
بخاطر پیروزی سوسیالیسم آگاهانه تن به قربانی میدهند، پایه
انضباط نوین، انضباط رفیقانه در ارتش سرخ، پایه احیاء، تحکیم
و رشد این ارتش را تشکیل میدهد.

قهرمانی کارگران در پشت جبهه نیز کمتر از این شایان توجه
نیست، شنبه های کمونیستی که کارگران بنا بابتکار خود معمول
داشته اند، از این لحاظ حائز اهمیت واقعا "عظیم است. ظاهرا"
این هنوز فقط سر آغاز کار است، ولی سرآغازی دارای اهمیت فوق
العاده زیاد. این سرآغاز انقلابی است دشوارتر، مهمتر، اساسی تر
و قطعی تر از سرنگون ساختن بورژوازی، زیرا این امر - پیروزی بر
جمود شخصی، ولنگاری، خودخواهی خرده بورژوا منشانه، پیروزی
بر این عادت نیست که سرمایه داری منفور برای کارگر و دهقان بمیراث
نهاده است. هنگامیکه این پیروزی تحکیم شد، آنگاه و فقط
آنگاه انضباط اجتماعی نوین، انضباط سوسیالیستی بوجود خواهد
آمد. آنگاه و فقط آنگاه بازگشت به عقبه بازگشت بسوی سرمایه -
داری غیر ممکن و کمونیسم واقعا "شکست ناپذیر خواهد شد."
پراودا (۱۵) در تاریخ ۱۷ ماه مه مقاله ای به قلم رفیق آ. ژ.

تحت عنوان "کاربشیوه" انقلابی شنبه کمونیستی" درج نموده است. این مقاله بقدری مهم است که ما آنرا تماما" در اینجا نقل مینمائیم:

کاربشیوه" انقلابی

(شنبه کمونیستی)

"نامه" کمیته" مرکزی حزب کمونیست روسیه درباره" کاربشیوه" انقلابی تکان شدیدی به سازمان های کمونیستی و کمونیستها داد. در نتیجه اعتلای همگانی، بسیاری از کمونیست های راه آهن به جبهه عزیمت نمودند، ولی اکثریت آنان نمیتوانستند پست های مسئولیت داران را رها کنند و در جستجوی شیوه های نوینی برای کاربشیوه" انقلابی برآیند. اطلاعاتی که از محلها راجع به کندهی کاربشیوه و کاغذ بازی اداری میرسد موجب شد که بخش راه آهن مسکو - غازان به مکانیسم دستگاه راه آهن عطف توجه نماید. معلوم شد که بعملت کمبود نیروی کارگری و کمی شدت کار، سفارشات فوری و تعمیرات معجل لکوموتیوها بتعمیق میافتد. روز هفتم ماه مه در جلسه عمومی که از کمونیست ها و هواخواهان آنان در بخش راه آهن مسکو - غازان تشکیل شد این مسئله مطرح گردید که از گفتار درباره" کمک به پیروزی بر کلچاک (۱۶) به کردار پرداخته شود. پیشنهادی بدین مضمون داده شد:

"نظریه وضع دشوار داخلی و خارجی و بمنظور تفوق بردشمن طبقاتی، کمونیست ها و هواخواهان آنان باید با زهم بر شدت فعالیت خود بیافزایند و یک ساعت دیگر هم از وقت استراحت خود بکاهند یعنی یک ساعت بر هر روز کار خود بیفزایند و این ساعات را رویهم جمع کرده در روزهای شنبه بطور اضافی دفعتا" ۶ ساعت کار جسمانی انجام دهند تا بدینسان فی الفور یک ارزش واقعی حاصل آید. با در نظر گرفتن اینکه کمونیست ها نباید از صرف نیروی جسمانی و بذل جان در راه پیروزی انقلاب دریغ ورزند - کارمزمبورمانا" انجام گیرد. شنبه کمونیستی

تا احراز پیروزی کامل بر کلچاک در سراسر بخش معمول گردد".
پس از تزلزلاتی چندپیشنها دمزبور با تفاق آراء تصویب شد.
"روزشنبه ۱۰ ماه مه در ساعت ۶ عصر کمونیست‌ها و هواخواهان
همچون سرباز سرکار حاضر شدند و صف آراستند و با نظم کامل بوسیله استاد
کاران به سر جای‌های خود فرستاده شدند.
"نتایج کار بشیوه انقلابی عیان و آشکار است. جدول صفحه بعد
بنگاهها و نوع کار را نشان میدهد.

"ارزش کل کار انجام شده طبق دستمزد عادی ۵ میلیون روبل
و طبق دستمزد کار فوق العاده یکبارونیم بیشتر است.
"بهره‌دهی شدت کار در مورد بارگیری ۲۷۰ درصد کارکارگران
معمول است. مابقی کارها نیز دارای همین شدت است.
"عقب ماندن سفارشات (فوری) که ۷ روز تا سه ماه بطول
انجامیده است و ناشی از کمبود نیروی کارگری و تعلل در کار بود
طرف شد.

"کار با وجوه نواقص (بسهولت قابل رفع) و وسائل لازم، که بعضی
از گروهها را از ۳ تا ۴ دقیقه معطل میکرد، انجام می‌گرفت.
"هیئت مدیره ماء مور رهبری کارها، بزحمت موفق میشد و وظائف
جدیدی برای کارپیش‌بینی کند و شاید در این گفته یکی از استادکاران
بیراندگی مبالغه شده باشد که کاری که در شبه کمونیستی انجام
گرفته است برابر کار است که طی یک هفته کارگران غیر آگاه لابلای
انجام میدهند.

"نظر باینکه در این کارها، بسیاری از غیر کمونیست‌ها، هـوا
داران صدیق حکومت شوروی نیز شرکت داشتند و افزایش تعداد این قبیل
افراد در شبه‌های آینده انتظار می‌رود و نظریه اینکه در سایر نقاط
نیز مایلند از کارکنان کمونیست راه آهن مسکو-غازان سرمشق بگیرند،
لذا من بر اساس اطلاعات واصله از محل‌های روی جنبه سازمانی این مسئله
با تفصیل بیشتری مکتب مینمایم.

"در این کارها در حدود ده درصد کمونیست‌هایی که دائما در محل
کار میکنند شرکت داشتند. مابقی - دارندگان مقامات مسئولیت‌دار و
افراد انتخاب شده بودند، از کمیسر راه گرفته تا کمیسریک بنگاه

کار انجام یافته	ساعات		مجموع ساعات کار	مجموع هزینه	نام کار	محل کار
	جمع	ساعات کار				
۷۵۰۰ یوپت بارگیری و ۱۸۰۰ یوپت باراندازی شده است.	۲۴۰	۵	۲۳	۴۸	بارگیری مصالح جهت طول خط و نیز بارگیری وسائل یدکی لازم برای تعمیر لکوموتیوها و قطعات و اگونها به مقصد پرووا - موروا - آلتیر و سیزران.	مسکو. کارگاههای عمده تعمیر لکوموتیو
	۲۰	۴	۲۰	۵		
جمعا ۱,۵ لکوموتیو تعمیر شده است.	۱۳۰	۵	۱۲۵	۲۶	تعمیر اساسی جاری لکوموتیوها	مسکو. تعمیرگاه لکوموتیو های قطارهای مسافری
دو لکوموتیو برای کار حاضر شده و قطعات مورد تعمیر ۴ لکوموتیو پیاده شده است.	۱۴۴	۶	۱۴۰	۲۴	تعمیر جاری لکوموتیوها	مسکو. ایستگاه تنظیم تعداد قطارها

۲. واگون درجه ۳	۷۲	۶	۱۲	تعمیر جاری واگونهای مسافری	مسکو. شعبه تعمیر واگون
۱۲۰ واگون سرویشیمه و	۲۳۰	۵	۴۶	تعمیر واگون ها و تعمیرات جزئی در روز شنبه	دیرووا. کارگاه های عمله تعمیر واگون
۲ واگون سرباز.	۱۱۵	۵	۲۳	ویکشنبه	
روینمرفته ۴ لکوموتیو و ۱۶ واگون برای کار حاضر شده و ۹۳۰۰ یوط بارگیری و باراندازی شده است.	۱۰۱۴	-	۲۰۵	جمع	

و نیز نمایندگان اتحادیه و کارکنان اداره و کمیساریای راه آهن،
"شوروشوق و هماهنگی بهنگام کار بیسابقه بود . هنگامیکه
کارگران و کارمندان و مدیران ادارات ، بدون درشتی و جرو بحث طوقه
۴۰ پوطی چرخ لکوموتیو مسافربری را گرفته و همانند موران کار
دوسته آنرا بجای خود می غلطانند ، قلب انسان از این کار جمععی
از حسن شعف و شادی سرشار میشد و ایمان وی به خلل ناپذیری پیروزی
طبقه کارگر را سخ میگردد . درندگان جهانی قادر به اختناق
کارگران پیروزمند نخواهند بود و خرابکاران داخلی بیهوده آرزوی
دیدن کلچاک را ندارند .

"در پایان کار حاضرین ناظر منظره بیسابقه ای بودند : صدها
نفر کمونیسته خسته ولی در حالیکه برق شادی از چشمانشان ساطع
بود ، با آهنگ پرشکوه سرود انترناسیونال کامیابی خود را در کنار
شادباش میگفتند و بنظر میرسید که امواج پیروزمند این سرود ظفر
نمون از فراز دیوارها گذشته در فضای مسکوی کارگری طنین افکن
میگردد و دایره این امواج وسعت گرفته سراسر روسیه کارگری را
میپیماید و خسته ها و لالایها را بتکان می آورد ."

آ. ژ .

پراودا در تاریخ ۲۰ ماه مه در مقاله ای بقلم رفیق ن. ر .
این شگرفترین "سرمشق شایسته تقلید" را ارزیابی کرده و تحت
همین عنوان چنین نوشته است :

"نمونه های این قبیل کارهای کمونیستها نادرنیست .
من اطلاع دارم که این قبیل موارد در کارخانه برق و در بخشهای
گوناگون راه آهن رخ داده است . در راه آهن نیکلایفسکی کمونیستها
چندین شب بطور فوق العاده برای بلند کردن لکوموتیوی ، که در محل
چرخش به گودال افتاده بود ، کار کردند ، در راه آهن شمال ،
بهنگام زمستان ، تمام کمونیستها و هواخواهان چندین روز یکشنبه
برای پاک کردن راه از برف کار کردند ، حوزه های حزبی بسیاری
از ایستگاههای قطارهای باری ، بمنظور مبارزه علیه دزدی محمولات
گشت های شبانه انجام میدهند ، - ولی این کار تصادفی نبود و
سیستما تیک انجام نمی گرفت . رفقای غازانی با اقدام جدیدی

دست زده اند که این کار را سیستماتیک و دائمی مینماید. در قرار این رفقا گفته میشود: "تا پیروزی کامل بر کلچاک" و تمام اهمیت کار آنها در همین است. آنها بر روز کار کمونیست ها و هواخواهان طی تمام مدت حکومت نظامی یک ساعت میافزایند و در عین حال نمونه کار ثمر بخش را نشان میدهند.

"هم اکنون این سرمشق مورد تقلید قرار گرفته و در آتیه هم باید قرار گیرد. جلسه عمومی کمونیست ها و هواخواهان در راه آهن الکساندروفسکی پس از بحث درباره اوضاع جنگ و قرار رفقای غازانی چنین مقرر داشت: (۱) برای کمونیست ها و هواخواهان در راه آهن الکساندروفسکی "کارشبه" معمول گردد. نخستین کارشبه برای روز ۱۷ ماه مه تعیین میگردد. (۲) از کمونیست ها و هواخواهان، بریگادهای نمونه و شاخصی تشکیل شود تا به کارگران نشان دهند چگونه باید کار کرد و با مصالح و ابزار و تغذیه کنونی چه کاری واقعا میتوان انجام داد.

"بنابگفته رفقای مسکو - غازان نمونه آنها تا تاثیر فراوانی بخشیده و برای شبیه آینده انتظار شرکت عده هنگفتی از کارگران غیر حزبی را در کار دارند. هنگامیکه این سطور نوشته میشود در کارگاههای راه آهن الکساندروفسکی کار فوق العاده کمونیست ها هنوز آغاز نشده است، همینکه خبر مربوط به کارهایی که در نظر گرفته شده است شایع گردید توده غیر حزبی بحرکت درآمده و از غارتها در طرف این سخنان بگوش میرسد: "ما دیروز خیر نداشتیم و الا ما هم حاضر میشدیم و کار میکردیم"، "شنبه آینده حتما خواهیم آمد". تاثیر این نوع کارها بسیار عظیم است.

"تمام حوزه های کمونیستی پشت جبهه باید از نمونه رفقای مسکو - غازان پیروی نمایند. نه تنها حوزه های کمونیستی گره مواطالتی مسکو، بلکه تمام سازمانهای حزبی روسیه نیز باید از این نمونه پیروی کنند. دردهات هم حوزه های کمونیستی باید در وهله اول به زراعت کشتزارهای متعلق به سربازان سرخ پردازند و به خانواده های آنان کمک نمایند.

رفقای مسکو - غازان کار خود را در نخستین شب کمونیستی با خواندن

سرود انترناسیونال بیایان رساندند. اگر سازمان کمونیستی سراسر روسیه از این نمونه پیروی کند و آنرا بلا انحراف بموقع اجرا گذارد، آنگاه جمهوری شوروی روسیه ماههای دشوار آینده را با آهنگ رعده آسای انترناسیونال تمام زحمتکشان جمهوری خواهد گذراند...

"رفقای کمونیست دست به کار شوید".

پسراودا در تاریخ ۲۳ ماه مه سال ۱۹۱۹ چنین اطلاع داد:

"روز ۱۷ ماه مه در راه آهن آلکساندروفسکی نخستین "شنبه" کمونیستی برگزار گردید. ۹۸ کمونیست و هواخواه، طبق قرار صادره در جلسه عمومی، ۵ ساعت فوق العاده و مجانی کار کردند و حقی که به آنها داده شد فقط این بود که با پول خود دوباره نهار بخورند و ضمناً "بانهار، مثل کارگران کارجمانی، به آنها، باز هم در مقابل پول، ۲۰۰ گرم نان داده شد".

با وجود اینکه تدارک و ترتیب کار ضعیف بود، مع الوصف بهره دهی کار ۲ - ۳ بار فرزونتر از معمول بود.

اینک نمونه های آن:

۵ سوخانکار در ۴ ساعت ۸۰ میله ساخته اند. بهره دهی نسبت به معمول ۲۱۳ درصد است.

۲۰ کارگر معمولی در طرف ۴ ساعت ۶۰۰ پوط از مصالح قدیمی و ۷۰ فنرواگون هریک بوزن ۳/۵ پوط و رویهمرفته بوزن ۸۵۰ پوط جمع آوری کردند. بهره دهی کار نسبت به معمول ۳۰۰ درصد است.

"رفقا این موضوع را چنین توضیح میدهند که کار در مواقع معمولی خسته کننده و ملال آورنده است، ولی در اینجا با میل و اشتیاق کار میکنند. ولی اکنون دیگر شرم آور خواهد بود اگر در مواقع معمولی کمتر از شنبه کمونیستی کار انجام داده شود".

"اکنون بسیاری از کارگران غیر حزبی برای شرکت در شنبه های کمونیستی ابراز تمایل مینمایند. بریگادهای لکوموتیو پیشنهاد میکنند در شنبه کمونیستی از "گورستان"، یک لکوموتیو برداشته شود و تعمیر گردد و بکار انداخته شود.

اطلاعات واصله حاکیست که در خط ویاز ماهم از این قبیل شنبه های کمونیستی تدارک دیده میشود".

رفیق آ. دیاچنکو در روزنامه "پسراودا مورخه ۷ ژوئن جریان کار شبه های کمونیستی را شرح میدهد. قسمت عمده مقاله او را، که عنوان آن "یادداشت های شبه کمونیستی" است، در اینجا نقل میکنیم:

"من با مسرتی فراوان با اتفاق رفقا، بنا به تصمیم شعبه حزبی بخش راه آهن آماده برگزاری "استاژ" روزشبه کمونیستی شدم تا موقتا برای چند ساعتی مغزرا استراحت داده و عضلات رابه کار اندازم ... کاری که در پیش داریم در کارخانه نجاری راه آهن است. وارد کارخانه شدیم، رفقای خود را دیدیم، با هم سلام و علیک کردیم، شوخی کردیم، نیروی خود را تخمین زدیم - جمعا "سی نفر" بودیم ... "هیولائی" در مقابل خود دیدیم که عبارت بود از دیگ بخار سنگینی بوزن ۶۰۰ تا ۷۰۰ پوپ و این همان چیزی بود که ما میبایست آنرا "تغییر مکان دهیم" یعنی آنرا یک چهارم یا یک سوم ورست بطرف سکوی راه آهن بغلطانیم. در دلها شک راه یافت ... ولی دست بکار شدیم: رفقا بطور ساده چند غلطک چوبی در زیر دیگ قرار دادند و دو ریسمان به آن بستند و کار آغاز شد ... دیگ بای میلی تن در داد دولی مع الوصف براه افتاد. قلب ما سرشار از مسرت است زیرا عده ما اندک است ... این همان دیگی است که تقریبا "دو هفته تمام کارگران غیر کمونیست که تعدادشان سه برابر ما بود آنرا میکشیدند ولی دیگ همچنان برجای خود میخکوب بود تا اینکه نوبت به ما رسید ... یک ساعت با تمام قوا و بالاتفاق با فرمان موزون: "یک دو، سه"، رفیق سر کارگر خود کار میکنیم و دیگ همچنان در حال پیشروی است. ولی غفلتا "حادثه ای رخ داد، چه شد؟ بناگاه دیدیم که عده ای از رفقا بطور خنده آوری بزمین در غلطیدند. - این ریسمان بود که بمسرت "خیانت" کرد ... ولی وقفه فقط یک دقیقه بود: بجای ریسمان طناب می بندیم ... غروب میشود و هوا کاملا تاریک میگردد، ولی ماهنوز بایدا ز یک بلندی کوچک هم بگذریم و آنگاه کار بسرعت انجام خواهد گرفت. دستها به شدت درد گرفته است، کف دست از شدت حرارت میسوزد، از زور گرما کلافه شده ایم، با تمام قوا دیگ رابه جلو میرانیم و کار پیش میرود. "روء سا" در کناری ایستاده اند و

همینکه موفقیت را می بینند شرمگین شده بی اختیار بسوی طناب رو آور میشوند: کمک کن، زودتر میبایست می آمدید، سرباز سرخی سرگرم تماشای کار ما است. وی ساز دستی کوچکی در دست دارد. او چه فکر میکند؟ میگویند اینها چگونه مردمی هستند؟ اینها روز شنبه که همه در خانه های خود نشسته اند چه میخواهند؟ من این معمار را برای او حل میکنم و میگویم: رفیق، آهنگ مفرحی برای ما بنواز، ماکه از قماش کارکنان معمولی نیستیم، ما کمونیستهای واقعی هستیم، می بینی کار زبردست ما چگونه می جوشد، ما تنبلی نمیکنیم بلکه با تمام قوا میکوشیم". سرباز سرخ با احتیاط ساز خود را بر زمین می نهد و با سرعت هرچه تمامتر بسوی طناب می شتابد...

"جنبش بنفع برگزاری "شنبه های کمونیستی" منحصر به مسکو نیست. پراودا در تاریخ ۶ ژوئن چنین اطلاع میدهد:

"روز ۳۱ ماه مه در شهرته ورنخستین شنبه کمونیستی برگزار گردید. ۱۲۸ کمونیست در راه آهن کار میکرد. در ظرف ۳/۵ ساعت چهارده واگون بارگیری و باراندازی شد و تعمیر سه لکوموتیو بی پایان رسید. در حدود ۲۵ متر مکعب چوب بریده شد و کارهای دیگری انجام گرفت. شدت کار کارگران کارآموده کمونیست ۱۳ برابر بهره دهی معمولی بود".

سپس در پراودا بتاریخ ۸ ژوئن چنین میخوانیم:

شنبه های کمونیستی

ساراتف، ۵ ژوئن، کمونیستهای راه آهن، برای اجابت دعوت رفقای مسکو، در جلسه عمومی حزبی مقرر داشتند که: در روزهای شنبه برای پیشرفت امور اقتصادی ملی ما " ۵ ساعت بطور فوق العاده کار کنند".

* * *

من اطلاعات مربوط به شنبه های کمونیستی را با تفصیل هرچه بیشتر و بطور کامل ذکر کردم، زیرا در اینجا ما بدون شک یکی از مهمترین

جوانب ساختمان کمونیستی را مشاهده مینمائیم که مطبوعات ما توجه کافی بدان معطوف نمیدارند و ما خود هنوز ارزش کافی به آن نداده ایم .

کمتر پرگوئی سیاسی و بیشتر توجه به واقعیات بسیار ساده و لسی حیاتی ساختمان کمونیستی، واقعیاتی که از زندگی گرفته شده و در زندگی بازرسی شده است - این شعار را باید همه ما، نویسندگان، مبلغین، زوجین، سازماندهان ما و غیره بطور خستگی ناپذیری تکرار نمائیم .

طبیعی و ناگزیر است که پس از انقلاب پرولتری آنچه در آغاز بیش از همه ما را بخود مشغول میدارد، وظیفه عمده و اساسی یعنی از بین بردن مقاومت بورژوازی، پیروزی بر استعمارگران و برانداختن توطئه آنان است (نظیر "توطئه برده داران" درباره تسلیم پتروگراد که در آن توطئه همه از باندهای سیاه و کادتها گرفته تا منشویک ها و اس. ا. رها شرکت جستند (۱۷)) ولی بموازات این وظیفه بنحوی بهمین درجه ناگزیر وظیفه ای مهمتر (و هرچه بیشتر - بیشتر) پیش می آید که عبارتست از ساختمان مثبت کمونیستی و خلاقیت مناسبات اقتصادی نوین یعنی جامعه نوین .

دیکتا توری پرولتاریا - همانطور که من بارها و از آن جمله ضمن سخنرانی ۱۲ مارس در جلسه شورای نمایندگان پتروگراد متذکر شده ام - تنها وحتى بطور عمده اعمال قهر نسبت به استعمارگران نیست . پایه اقتصادی این اعمال قهر انقلابی و وثیقه قابلیت حیات و کامیابی آن عبارت از اینست که پرولتاریا نسبت به سرمایه داری طراز عالیتری از سازمان اجتماعی کار را عرضه میدارد و عملی میسازد . کده مطلب در این است . سرچشمه نیرو و وثیقه پیروزی ناگزیر و کاملاً کمونیسم در اینست .

سازمان فئودالی کار اجتماعی مبتنی بر انضباطی بود که با تازیان حفظ میشد در حالیکه زحمتکشان در منتهای جهل و ذلت بسر می بردند و غارت میشدند و دستخوش استهزاء و آزار مثنی ملاک بودند . سازمان سرمایه داری کار اجتماعی مبتنی بر انضباطی بود که بزور کرسنگی حفظ میگردد و توده عظیم زحمتکشان، با وجود همه پیشرفت فرهنگ بورژوازی و دموکراسی بورژوازی، حتی در پیشروترین

متمدن ترین و دموکراتیک ترین جمهوری ها نیز، کماکان توده جاهل و ذلیل، بردگان مزدور یا دهقانان درمانده ای بودند که غارت میشدند و دستخوش استهزا و آزارمشی سرمایه دار بودند. سازمان کمونیستی کار اجتماعی، که سوسیالیسم نخستین گام بسوی آنست، بر انضباط آزادانه و آگاهانه خود زحمتکشان که هم یوغ ملاکین و هم یوغ سرمایه داران را بیزیرافکنده اند، مبتنی است روز بروز بیشتر بر آن مبتنی خواهد شد.

این انضباط نوین از آسمان نازل نشده و در نتیجه نیات حسنه پدید نیامده، بلکه زائیده شرایط مادی تولید بزرگ سرمایه داری و تنها زائیده این شرایط است. بدون این شرایط چینی انضباطی غیر ممکن است، و اما حاصل این شرایط مادی یا ناقل این شرایط طبقه تاریخی معینی است که توسط سرمایه داران بزرگ بوجود آمده، متشکل و همپیوسته شده، تعلیم دیده و با فرهنگ گردیده و آبدیده شده است. این طبقه - پرولتاریاست.

... پرولتاریا برای اینکه بتواند پیروز گردد و سوسیالیسم را بوجود آورد و تحکیم نماید باید مسئله دوگانه یا دو جانبه ایرا حل کند: اولاً با قهرمانی بیدریغ خود در مبارزه انقلابی علیه سرمایه تمام توده زحمتکشان و استثمارشوندگان را بسوی خود جلب کند، آنها را متشکل سازد و برای سرنگون ساختن بورژوازی و درهم شکستن کامل هر گونه مقاومتی از طرف وی آنها را رهبری نماید: ثانیاً "تمام توده زحمتکشان و استثمارشوندگان و نیز تمام قشرهای خرده بورژوا را برآه ساختمان اقتصادی نوین، برآه برقراری رابطه اجتماعی نوین، انضباط نوین، در کار و سازمان نوین کار یکشانند که آخرین کلام علم و تکنیک سرمایه داری را با اتحاد توده ای کارکنان آگاه خالق تولید سوسیالیستی بزرگ پیوند میدهد.

این مسئله دوم از اولی دشوارتر است، زیرا آنرا بهیچوجه نمیتوان با یک قهرمانی که ضمن یک شور و شوق جداگانه بوجود آمده باشد حل نمود، بلکه برای حل آن طولانی ترین، سرسخت ترین و دشوارترین قهرمانی توأم با کار توده ای و روزمره لازم است، ولی این مسئله در عین حال از مسئله اول مهمتر هم هست، زیرا بالاخره

عمیقترین منبع نیرو برای پیروزی بورژوازی و یگانه وثیقۀ پایداری و انفکاک ناپذیری این پیروزی هافقط میتواند شیوه نوین و عالیترتولید اجتماعی و استقرار تولید بزرگ سوسیالیستی بعوض تولید سرمایه داری و خرده بورژوازی باشد.

* * *

... شبه کمونیستی کارگران راه آهن مسکو - غازان یکی از عناصر جامعه نوین سوسیالیستی است که رهائی از یوغ سرمایه و جنگ ها را برای تمام خلقهای کره زمین بارمغان میبرد.

البته حضرات بورژواها و جیره خواران آنها، و از آنجمله منشویک ها و سارها، که عادت کرده اند خود را نماینده "افکار عمومی" بشمرند، امیدهای کمونیست ها را مورد استهزاء قرار میدهند و این امیدها را "درخت باثویاب در گلدان یاسمن" مینامند و بتعداد قلیل شبه های کمونیستی در مقابل موارد کثیر سرفقت ها، بیکار نشینی ها، تنزل سطح بهره دهی، ضایع شدن مواد خام، فاسد شدن محصولات و غیره می خندند. ما باین حضرات چنین پاسخ میدهیم: اگر روشنفکران بورژوا بجای آنکه معلومات خود را بخاطر احیاء قدرت سرمایه داران روسی و خارجی در اختیار آنان قرار دهند، آنرا در اختیار زحمتکشان قرار میدادند، آنگاه انقلاب سریعتر و صلح آمیزتر انجام میگرفت. ولی این پنداری واهیست، زیرا مسئله از راه مبارزه طبقات حل میگردد و اکثریت روشنفکران هم بسوی بورژوازی گرایش دارند. پرولتاریا نه بکمک روشنفکران، بلکه علی رغم مخالفت آنان (لااقل در اکثر موارد) پیروز خواهد شد و روشنفکران اصلاح ناپذیر بورژوا را برکنار خواهد ساخت، مرددین را اصلاح خواهد کرد، تربیت خواهد نمود و مطیع خود خواهد ساخت و بخش اعظم آنان را بتدریج بسوی خود جلب خواهد کرد. ذوق و شادی موزیانه از دشواریها و ناکامیهای انقلاب ایجاد سراسیمگی، تبلیغات برای بازگشت به قهقرا - همه

اینها اسلحه و شیوه‌های مبارزه، طبقاتی روشنفکران بورژواست .
 پرولتاریا اجازه نخواهد داد ویرا بدینوسیله بفریبند .
 واگر کنه مطلب را هم در نظر بگیریم ، مگرد تاریخ دیده شده است
 که یک شیوه نوین تولید فوراً " بدون ناکامیهای طولانی و اشتباهات و
 تکرار آنها ریشه بدواند؟ نیم قرن پس از سقوط سرواز ، هنوز دردهات
 روسی بقایای سرواز بمیزان زیادی باقی بود . نیم قرن پس از الغاء
 بردگی سیاه پوستان در امریکا سیاه پوستان در آنجا هنوز اغلب در
 حالت نیمه بردگی بودند . روشنفکران بورژوا و از آنجمله منشویک‌ها
 و اسارها نسبت بخود وفادارند ، آنها خادم سرمایه و حافظ استدلال
 سراپا کاذبانه خویش هستند ؛ قبل از انقلاب پرولتاریا آنها به ما
 طعنه میزدند و ما را پندار باف میخواندند و پس از این انقلاب از ما
 طلب میکنند که آثار گذشته را بسرعت پندار آمیزی از بین ببریم !
 ولی ما پندار باف نیستیم و بهای واقعی " استدلالات " بورژوازی
 را میدانیم و نیز میدانیم که آثار گذشته در عادات و اخلاق تا مدت
 زمان معینی پس از انقلاب ناگزیر بر جوانه های نوتفوق خواهند
 داشت . هنگامیکه جوانه نوبیرون می‌آید ، کهنه همیشه چند زمانی
 نیرومندتر از آن میماند و این امر خواه در طبیعت و خواه در زندگی
 اجتماعی همواره چنین است . دستخوش استهزاء قرار دادن ضعف جوانه
 های نو ، شکاکیت مبتذل روشنفکرانه و نظائر آن ، همه اینها در ماهیت
 امر شیوه های مبارزه طبقاتی بورژوازی علیه پرولتاریا و دفاع از
 سرمایه داری در مقابل سوسیالیسم است . ما باید جوانه های نورا
 بدقت مورد بررسی قرار دهیم و نهایت توجه را نسبت به آنها مبذول
 داریم ، بر شد آنها هرگونه کمک کنیم و از این جوانه های ضعیف
 " پرستاری نمائیم " . برخی از آنها ناگزیر تلف خواهند شد . نمیتوان
 تضمین نمود که همانا " شنبه های کمونیستی " نقش بویژه مهمی را
 ایفا خواهند کرد . مطلب در این نیست ، مطلب بر سر پشتیبانی از کلیه
 جوانه های نواست ، که خود زندگی از بین آنها آن جوانه هائی را که
 قابلیت حیاتشان از همه بیشتر است دستچین خواهد نمود . اگر دانشمند
 ژاپنی ، برای آنکه با فرد کمک کند تا بر بیماری سفلیس غلبه نمایند ،
 شکیبائی آنرا داشت که ۶۵ ماده دارویی را مورد آزمایش قرار دهد

تا ششصد و شصت و ششمین داروئی را که تقاضاهای معینی را ارضاء میکرد بدست آورد، آنوقت کسانی که میخواهند مسئله دشوارتری را حل نمایند یعنی بر سرمایه داری غلبه کنند باید حد کافی پافشاری داشته صدها و هزارها شیوه و طریقه و وسیله مبارزه را بیازمایند تا سودمندترین آنها را تعیین نمایند.

"شبهه‌های کمونیستی" از آنجهت دارای اهمیت هستند که کارگرانی آنها را شروع کرده اند که بهیچوجه شرایط فوق العاده مساعدی نداشته، بلکه کارگرانی با تخصص‌های گوناگون و از آنجمله کارگران بدون تخصص و کارگران معمولی بودند که در شرایط عادی یعنی در شاقترین شرایط قرار داشتند. ماهمه، علت اساسی تنزل سطح بهره‌دهی کار را که تنها منحصر بروسیه نبوده، بلکه در سراسر جهان مشاهده میشود، بخوبی میدانیم: ویرانی و فقر، خشم و فرسودگی، که جنگ امپریالیستی موجب آن بوده است، بیماری و کم غذایی. علت اخیر از لحاظ اهمیت خود جای اول را اجزای میکند، گرسنگی - اینست علت. و اما برای از بین بردن گرسنگی باید سطح بهره‌دهی کار را خواه در زراعت، خواه در حمل و نقل و خواه در صنایع ارتقاء داد. لذا در اینجا یکنوع دور و تسلسل بوجود می‌آید: برای اینکه بتوان سطح بهره‌دهی کار را بالا برد، باید از گرسنگی نجات یافت و اما برای نجات از گرسنگی باید سطح بهره‌دهی کار را بالا برد.

میدانیم که اینقبیل تضادهای در جریان عمل از راه گسیختن این دور و تسلسل، از راه تحول در روحیه توده‌ها، از راه ابتکار قهرمانانه گروه‌هایی از افراد یعنی از راه ابتکاری که زمینه این تحول چه بسا نقش قاطع ایفا میکند، بر طرف میگردد. کارگران معمولی مسکو و کارکنان راه آهن مسکو (البته منظور اکثریت آنهاست، نه یکمشت معامله گرواهل اداره و از این نوع گارد سفیدیها) - زحمتکشانی هستند که در شرایط بینهایت دشواری بسر می‌برند. کم غذایی آنها همیشگی است و اکنون در آستان برداشت محصول جدید، در شرایط وخامت عمومی وضع خواربار، بکلی در گرسنگی بسر می‌برند. و آنوقت این کارگران گرسنه که در احاطه تبلیغات ضد انقلابی کین توزانه بورژوازی و منشویک‌ها و اسارها هستند، "شبهه‌های کمونیستی" برگزار مینمایند و بدون هیچگونه مزدی بطور فوق العاده کار میکنند و با وجود آنکه خسته، رنجور، بیرمق و نیمه گرسنه هستند،

سطح بهره‌دهی کار را بمیزان عظیمی بالا می‌برند. مگر این بزرگترین
قهرمانی نیست؟ مگر این آغاز تحولی دارای اهمیت جهانی- تاریخی
نیست؟

بهره‌دهی کار در غایت امر برای پیروزی نظام اجتماعی نوین
مهمترین وعده‌ترین نکته است. سرمایه داری بهره‌دهی کاری
بوجود آورد که در دوران سرواژ نظیر نداشت. سرمایه داری را میتوان
قطعا "مغلوب ساخت و قطعاً" هم مغلوب خواهد شد، زیرا سوسیالیسم بهره
دهی نوین و عالیتری را در رشته کار بوجود می‌آورد. این کاریست پس
دشوار و بس طولانی، ولی این کار را آغاز گردیده است و این وعده‌ترین
مطلب است. وقتی در شهر گرسنه مسکودرتا بستان سال ۱۹۱۹، کارگران
گرسنه ای که چهار سال جنگ امپریالیستی را با وضعی شاق و سپس یک
سال و نیم جنگ داخلی را با وضعی از آنهم شاقتر گذرانده اند،
توانسته اند این کار خظیر را آغاز نمایند، آنگاه در آنیه، هنگامیکه
مادر جنگ داخلی پیروز گردیم و صلح را بکف آریم، تکامل به چه
صورتی انجام خواهد گرفت؟

کمونیسم عبارتست از بهره‌دهی عالیتر (نسبت به بهره‌دهی
سرمایه داری) کار کارگران را و طلبه آگاه و متحدیکه از تکنیک پیشرو
استفاده مینمایند. شنبه های کمونیستی فوق العاده گرانبها و
بمثابه آغاز عملی کمونیسم هستند و این پدیده فوق العاده نادر است
زیرا مادر مرحله‌ای قرار داریم، که "در آن فقط نخستین گامها
برای انتقال از سرمایه داری به کمونیست برداشته میشود" (و این
آنچیزیست که کاملاً "بجا و بمورد در برنامه حزبی ما گفته شده است) (۱۸)
کمونیسم در جایی آغاز میشود که از خود گذشته‌گی و مجاهدت کارگران
ساده پدید می‌گردد، مجاهدتی که بر کارشان فائق می‌آید و هدفش
افزایش میزان بهره‌دهی کار، حراست هر پوط غله، زغال، آهن
و سایر محصولات است که عاید خود کارگران و "نزدیکان" آنان نشده
بلکه عاید "بستگان دور" یعنی تمام جامعه من حیث المجموع،
عایددها و صدها میلیون افرادی میگردد که ابتداء در یک کشور
سوسیالیستی و سپس در اتحاد جماهیر شوروی با یکدیگر متحد شده اند.

... وضع زنان را در نظر بگیرید، هیچ حزب دموکراتی در جهان در هیچیک از پیشروترین جمهوریهای بورژوازی در این زمینه طی ده سال یکصدم آنچه را که مادر همان نخستین سال حکومت خود انجام دادیم، انجام نداده است. ما از قوانین ردیلانه مربوط به نابرابری زنان در حقوق و از قیودات طلاق و فورمالیته بازیهای کثیفی که با آن همراه است، از قانون مربوط به برسمت نشناختن اطفالی که از مادران بی شوهر بدنی آمده اند و از قانون مربوط به تجسس پدران آنها و غیره به تمام معنی کلمه سنگ روی سنگ باقی نگذارده ایم. — همان قوانینی که بقایای آنها، به سرشکستگی و ننگ بورژوازی و سرمایه داری، در کلیه کشورهای متمدن بسیار زیاد است. ماهزار بار حق داریم به کردهای خود در این رشته ببالیم. ولی هر قدر ما زمین را ازال و اشغال های قوانین و موسسات کهنه بورژوازی تمیزتر ساختیم، بهمان نسبت بر ما و احترام گردید که این تمیز کردن زمین فقط بمنظور ساختمان بوده، ولی هنوز خود ساختمان نیست.

زن علی رغم تمام قوانین رهائی بخش، هنوز کماکان کنیز خانگی باقیمانده است، زیرا خرده کاریهای خانه داری ویرا تحت فشار قرار میدهد، مختنق میکند، خرفت میسازد، خوارمینماید، اسیر مطبخ و بچه داری میسازد و با کاری که مطلقاً فاقد هرگونه بهره دهی بوده بیمقدار، عصبانی کننده، منگ کننده و ذلت آور است، دسترنج او را بهبود میدهد. رهائی واقعی زن و کمونیسم واقعی تنها در آنجا و در آن زمان آغاز میگردد که مبارزه پردامنه ای (تحت رهبری پرولتاریای صاحب قدرت دولتی) علیه این خرده کاری خانهداری آغاز گردد یا عبارت صحیحتر به تجدید سازمان پردامنه این خانه داری بر بنیاد اقتصاد بزرگ سوسیالیستی پرداخته شود.

آیا ما در عمل باین مسئله که از نظر تئوریک برای هر کمونیستی مسلم است توجه کافی معطوف می داریم؟ البته نه. آیا ما از جوانه های کمونیسم که هم اکنون در این رشته وجود دارد، مواظبت کافی بعمل می آوریم؟ یا زهم نه و نه. نهار خوریهای عمومی، شیر

خوارگاهها، کودکستانها - اینهاست نمونه های این جوانه ها و اینهاست آن وسائل ساده و روزمره ای که مستلزم هیچ گونه عبارت پردازی پرطمطراق و پیرآب و تاب و مطمئن نبوده و عملاً "قادر است زن را رها سازد و عملاً" قادر است از نابرابری وی با مردان لحاظ نقش وی در تولید اجتماعی و در زندگی اجتماعی بکاهد و این نابرابری را نابود سازد. این وسائل تازگی ندارند و (مانند تمام مقدمات مادی سوسیالیسم بطور کلی) بوسیله سرمایه داری بزرگ بوجود آمده اند، ولی این وسائل در دوران سرمایه داری اولاً جنبه نادر داشتند و ثانیاً - که نکته بویژه مهمی است - یابنگاهای سوداگرانیه ای بودند و اجتمای بدترین جوانب معامله گری، سودورزی، فریب و تقلب و یا عبارت بودند از "آکروباسی مورخیریه" بورواشی" که بهترین کارگران بحق و بجان نسبت به آن نفرت و انزجار داشتند.

شک نیست که تعداد این موسسات در کشور ما براتب بیشتر شده است و این موسسات شروع به تغییر خطت خود نموده اند. شک نیست که در بین زنان کارگر و دهقانان چندین بار بیش از آنچه که خبر داریم افراد دارای قریحه سازماندهی وجود دارند، که قادرند بدون اینهمه عبارت پردازی، دوندگیهای بیجا، جار و جنجال و پرگوئی درباره نقشه سیستم و غیره، که "روش فکران" فوق العاده بخود مغرور و "کمونیستهای" زودرس بدان "مبتلا هستند"، کارهای عملی را با شرکت دادن عده زیادی کارکن و عده ای از آنهم زیاد تر مصرف کننده، روبراه سازند. ولی ما چنانکه باید و شاید از این جوانه های شجره نسو پرستاری نمیکنیم.

به بورژوازی بنگرید، ببینید چه خوب میتواند هر چه را که برایش لازمست بوسیله اعلان پخش کند، چگونه بنگاهائی که در نظر سرمایه داران "نمونه" هستند در میلیونها نسخه از روزنامه های آنان مورد تمجید قرار میگیرد و چگونه موسسات "نمونه وار" بورژوازی بموضوعی برای غرور ملی تبدیل میگردند! جراثمما بهیچوجه یا تقریباً بهیچوجه در فکر این نیستند که بهترین نهارخانه های اجتماعی یا شیرخوارگاهها را توصیف نمایند و با اندر زهای همه روزه خودکاری کنند که برخی از آنها به موسسات نمونه وار تبدیل شوند،

آنها را معرفی نمایند و به تفصیل این مطلب را شرح دهند که در پرتو کار نمونه و ارکمونستی چقدر در نیروی کار انسانی صرفه جوئی میشود، چقدر برای مصرف کنندگان وسائل راحتی فراهم میگردد، چقدر محصول پس انداز میشود، چگونه زنان از قید بردگی خانگی رها میگرددند و چقدر شرایط بهداشتی بهبودی میپذیرد و چگونه پس از حصول این نتایج میتوان آنرا در سراسر جامعه و در بین تمام زحمتکشسان بسط داد.

تولید نمونه وار، شنبه های کمونستی نمونه وار، دلسوزی و با وجدانی نمونه وار بهنگام تهیه و توزیع هر پوط غله، نهارخانه های نمونه وار، نظافت نمونه وار فلان خانه کارگری و فلان کوی - همه این کارها باید در بار بیش از اکنون مورد توجه و مراقبت جرائد ما و نیز هر سازمان کارگری و دهقانی مقرر گیرد. همه اینها - جوانه های کمونیس اندوپرستاری از این جوانه ها وظیفه همگانی و درجه اول ماست. هر اندازه هم که وضع خواربار و تولیدی مادشوار باشد، باز طی این دوران ۱۸ ماهه حکومت بلشویکی پیشروی در سراسر جنبه امری مسلم است: میزان تدارک غله از ۳۰ میلیون پوط (از اول ماه اوت ۱۹۱۷ تا اول اوت ۱۹۱۸) به ۱۰۰ میلیون پوط رسیده است (از اول اوت ۱۹۱۸ تا اول ماه مه ۱۹۱۹)، صیفی کاری افزایش یافته است، میزان کسر کشت غله کاهش پذیرفته، حمل و نقل راه آهن، با وجود دشواریهای عظیم تهیه سوخت، روبه بهبودی نهاده است و هكذا. بر روی این زمینه عمومی و با کمک قدرت دولتی پرولتری، جوانه های کمونیس نخواهند خشکید، بلکه نشوونما خواهند یافت و به کمونیس کامل بدل خواهند شد.

باید در معنای "شنبه های کمونستی" بخوبی تعمق ورزید تا از این ابتکار عظیم تمام درسهای عملی فوق العاده مهمی را که از آن ناشی میگردد، آموخت.

پشتیبانی همه جانبه از این ابتکار در سراسر اول و عمده است استعمال کلمه "کمون" در کشور ما با سهولت بیش از حدی رایج شده است. هر بنگاهی که توسط کمونیستهای یا با شرکت آنان بر راه میافتد

دراکثر موارد بلافاصله "کمون" اعلام میگردد و ضمناً "اغلب این نکته فراموش میشود که یک چنین عنوان پرافتخاری را باید از طریق کار طولانی و سرسخت تحصیل نمود، آنرا باید با احراز موفقیت عملی ثابت شده در رشته ساختمان واقعا "کمونیستی" تحصیل کرد.

بدینمناسبت بعقیده من تصمیمی که به فکراکثریت اعضاء کمیته اجرائیه مرکزی رسیده و حاکی از لغو فرمان شورای کمیسرهای ملی در قسمت مربوط به عنوان "کمون های مصرف" (۱۹) است، کاملاً صحیح میباشد. بگذار عنوان آنها ساده تر باشد، - ضمناً "تقسیم رسانی ها و تقصانهای نخستین مراحل کار سازمانی نوین دیگر بگردن "کمون ها" نبوده، بلکه (همانگونه که در واقع هم باید باشد) بگردن کمونیست های بدخواه دیود. بسی سودمند بود هر آینه کلمه "کمون" را از استعمال رایج خارج میساختند و غدن میکردند که این کلمه هر جا که پایش افتاد بکار برده شود و یا این عنوان را تنها برای آن کمونهای واقعی قائل شوند که استعداد و توانائی خود را در مرتب نمودن کارها بشیوه کمونیستی، واقعا "در جریان عمل به ثبوت رسانده اند (و تمام اهالی محل متفق القول آنرا تصدیق کرده اند). ابتدا استعداد خود را برای کار بی مزد برفع جامعه، برفع همه زحمتکشان، استعداد خود را برای "کار بشیوه انقلابی"، برای ارتقاء سطح بهره دهی کار و مرتب کردن نمونه و ارکارها ثابت کن و آنگاه برای دریافت عنوان پرافتخار "کمون" دست دراز کن!

"شنبه های کمونیستی" از این لحاظ استثناء بس گرانبهای هستند. زیرا در این مورد کارگران معمولی و کارگران راه آهن مسکو - غازان ابتدا عملاً نشان دادند که قادرند مانند دیگر کمونیست کارکنند و آنگاه به ابتکار خود عنوان "شنبه های کمونیستی" دادند. باید کوشید و باین نائل آمد که در آتیه نیز این کار به همین منوال باشد و هر کس که از این بیعدبنگاه، موسسه یا کار خود را کمون بنا مدولی صحت آنرا ضمن انجام یک کار شاق و احراز موفقیت عملی در جریان یک کار طولانی و دادن سازمان نمونه و ارو واقعا "کمونیستی" به کار ثابت نکرده باشد، بیرحمانه مورد استهزاء قرار گیرد و بعنوان شالواتان و یا وه گور سوا گردد.

ابتکار عظیم " شنبه های کمونیستی" باید از لحاظ دیگر یعنی برای تصفیه حزب نیز مورد استفاده قرار گیرد. در نخستین روزهای پس از انقلاب، هنگامیکه بسیاری از افراد "شریف" و دارای روحیه عامیگری روش بسیار خاذه فانه ای داشتند، هنگامیکه روشنفکران بورژوا و از آن جمله البته منشیک ها و اسارها یکسره بخرابکاری مشغول بودند و در آستان بورژوازی چاکری میکردند، این امر که عده ای ما چرا جو و عنا صرمودی دیگر خود را به حزب حاکمه وارد می ساختند، امری کاملاً احترازنا پذیر بود. هیچ انقلابی بدون این نبوده و نمیتواند باشد. تمام مطلب بر سر آنستکه حزب حاکمه متکی بر طبقه سالم و نیرومند قادیبه تصفیه صفوف خویش باشد.

ما از این لحاظ مدت ها است کار را شروع کرده ایم. باید آنرا بلا انحراف و بدون خستگی ادامه داد. بسیج کمونیست ها برای جنگ از این لحاظ بجا کمک کرد: ترسوها و فرومایگان از حزب گریختند. راهشان باز جاده دراز! یک چنین کاهش شماره اعضا ————— افزایش عظیم نیرو و وزن آنست باید با استفاده از ابتهکار "شنبه های کمونیستی" کار تصفیه را ادامه داد یعنی: فقط پس از یک "آزمایش" یا "استاز" مثلاً ۶ ماهه که عبارت از "کاربشیوه" انقلابی" باشد افراد را بحزب پذیرفت. عین همین آزمایش را نیز باید در مورد کلیه آن اعضا حزب که پس از ۲۵ اکتبر سال ۱۹۱۷ به حزب وارد شده و با کارها یا خدمات خاصی قابل اعتماد بودن و وفاداری و توانائی خود را برای کمونیست بودن ثابت نکرده اند، خواستار شد.

تصفیه حزب که در عین حال با توقعات روز افزون وی در مورد کار واقعاً "کمونیستی" همراه باشد، دستگاه حاکمیت دولتی را بهبود خواهد بخشید گذار پیوست قطعی دهقانان را به پرولتاریای انقلابی فوق العاده تسریع خواهد نمود.

"شنبه های کمونیستی" ضمناً "خصلت طبقاتی دستگاه حاکمیت دولتی را بهنگام دیکتاتوری پرولتاریا با فروغ بس خیره کننده ای روشن ساخت. کمیته مرکزی حزب نامه ای درباره "کار به شیوه" انقلابی" مینویسد. این اندیشه از طرف کمیته مرکزی

حزب مرکب از ۱۰۰-۲۰۰ هزار عضو مطرح شده است (تصور میکنیم که پس از تصفیه جدی یک چنین تعدادی باقی بماند، زیرا اکنون عده بیش از این است).

اندیشه مزبور مورد استقبال کارگران متشکل در اتحادیه‌ها قرار گرفت. تعداد آنها در روسیه و در اوکراین به ۴ میلیون میرسد. اکثریت عظیم آنها طرفدار حاکمیت دولتی پرولتری، طرفدار دیکتاتوری پرولتاریا هستند ۲۰۰۰۰۰ و ۴۰۰۰۰۰۰ - اینست رابطه بین "چرخهای دندانه دار"، هرآینه بتوان چنین اصطلاحی را بکار برد. سپس دهها میلیون دهقان وجود دارند که به سه گروه عمده تقسیم میشوند: پرعده ترین و نزدیکترین آنان به پرولتاریا - نیمه پرولترها یا تهیدستان، سپس دهقانان میانه حال و سرانجام گروه بسیار کم عده کولاک‌ها یا بورژوازی روستائی.

تا زمانیکه امکان داد و ستد غله و معامله گری در شرایط قحطی وجود دارد، دهقان کماکان نیمه زحمتکش و نیمه معامله گر باقی میماند (و این امر تا مدت زمان معینی در دوران دیکتاتوری پرولتاریا ناگزیر است). وی، بعنوان معامله گر، نسبت به ما و دولت پرولتری خصومت می‌ورزد و ما یلست با بورژوازی و چاکران و فاداروی، حتی با شرمنشویک یا ب. چرنکف اسرار، که از آزادی داد و ستد غله طرفداری میکنند، سازش نماید. ولی دهقان بعنوان فرد رنجبر دوست دولت پرولتری و وفادارترین متفق کارگر در مبارزه علیه ملاک و سرمایه دار است. دهقان بعنوان فرد زحمتکش، با توده عظیم چندین میلیونی خود از آن "ماشین" دولتی که تحت سرپرستی گروه صدیادویست هزار نفری پیشاهنگ پرولتری کمونیستی است و خود مرکب از میلیونها پرولتر متشکل است، پشتیبانی مینماید.

دولتی از این دموکراتیک تر، بمعنای واقعی کلمه، و دارای پیوندی از این محکمتر با توده های زحمتکش و استثمارشونده هنوز در جهان وجود نداشته است.

همانایک چنین کار پرولتری که عنوان آن "شبه های کمونیستی" است و بوسیله آنها بموقع اجرا گذارده میشود، موجب تحکیم قطعی احترام و علاقه دهقانان نسبت به دولت پرولتری است.

یک چنین کاری - فقط چنین کاری است که دهقانان را به حقانیت
ما، به حقانیت کمونیسم قطعاً " معتقد میسازد و ویرا طرفدار از خود
گذشتهء ما مینماید و این امر کار را به غلبه کامل بردشواریه های
خواربار، به پیروزی کامل کمونیسم بر سرمایه داری در مورد مسئله
تولید و توزیع غله و تحکیم بی چون و چرای کمونیسم منجر میسازد.

۲۸ ژوئن ۱۹۱۹

مجموعه آثار،

جلد ۲۹، صفحات ۳۴-۴۱۱

نشر پروگرس

مسکو ۱۹۶۵

از:

گزارش پیرامون سوبوتنیکها
به یک گروه‌هایی حزب کمونیست شوروی (بلشویکها) در
شهر مسکودر ۲۰ دسامبر ۱۹۲۰

... (صفت) "کمونیستی" را وقتی می‌توان بکاربرد که
سوبوتنیکها (یعنی کاررایگان و بدون تعیین سهمیه توسط هیچ مقام
و هیچ سازمانی) ظهورکنند، این سوبوتنیکها کارافراد را به مقیاس
گسترده‌ای در جهت منافع عموم در بر می‌گیرند. این به معنای کمک به
همسایه بطریقی که همواره در مناطق روستایی مرسوم بوده است،
نمی‌باشد، بلکه کاری است که برای برآوردن احتیاجات کشور بطور
کل انجام می‌شود، و به مقیاس پهناوری سازمان یافته و رایگان
است. لذا، درست‌تر آن بود که واژه "کمونیستی" نه تنها به نام
حزب، بلکه هم چنین به آن مظاهر اقتصادی در زندگی واقعی ماکه
در عمل دارای خصلت کمونیستی هستند، اطلاق گردد. اگر بطور کلی نهاد
کمونیستی در نظام کنونی روسیه وجود داشته باشد، تنها سوبوتنیکها
می‌باشند، و کلیه چیزهای دیگر چیزی نیست جز مبارزه علیه سرمایه -
داری برای تحکیم سوسیالیسم که از بطن آن، پس از پیروزی کامل
سوسیالیسم، کمونیسمی رشد نماید که مانع با کمک کتاب، بلکه در
واقعیت زندگانی، در سوبوتنیکها مشاهده می‌کنیم.

چنین است اهمیت نظری سوبوتنیکها. آنها نشان می‌دهند که
چیزکاملاً جدیدی در اینجا به شکل کاررایگان یا بعرصه وجود می‌گذارد و
طوری سازمان یافته که احتیاجات تمامی کشور را برآورده می‌سازد،
چیزی که با تمام قوانین سرمایه‌داری کهن متفاوت است، چیزی که
خیلی بالاتر از آن جامعه سوسیالیستی است که بر سرمایه‌داری چیره
می‌گردد. وقتی کارگران راه آهن مسکو - غازان، یعنی مردمی که
تحت سخت‌ترین شرایط گرسنگی و نیاز شدید زندگی می‌کردند، اولین
کسانی بودند که به ندای کمیته مرکزی حزب برای کمک به کشور (۲۰)

پاسخ مثبت دادند و وقتی که اولین نشانه‌ها حاکی از آن بود که سوبوتنیکها دیگر موارد پراکنده‌ای نبوده بلکه ترویج یافته و بلاعلاقه توده‌ها رو برو شد، آن وقت بود که ما توانستیم بگوئیم که سوبوتنیکها پدیده‌ای هستند که از اهمیت نظری و افری برخوردار اند و اگر می‌بایستی تنها در تئوری کمونیست نباشیم و از مبارزه علیه سرمایه‌داری نیز فراتر رویم، می‌بایستی حمایت همه‌جانبه‌ای از سوبوتنیکها بعمل آوریم. از نقطه نظر سازندگی عملی جامعه سوسیالیستی، این کافی نیست. باید گفت که می‌توان جنبش را واقعا "به یک سطح توده‌ای ارتقاء داد. من ادعایم کنم که ما این موضوع را به ثبوت رسانده‌ایم زیرا هیچ جمع‌بندی کلی از حدود جنبشی که ما آنرا سوبوتنیکهای کمونیستی می‌خوانیم هنوز تهیه نشده است. تنها اطلاعاتی که من دارم پراکنده بوده و همچنین در روزنامه حزب هم خوانده‌ام که سوبوتنیکها در تعدادی از شهرها گسترش روزافزونی دارند. رفقای پتروگراد می‌گویند که سوبوتنیکها در شهر آنها خیلی بیشتر از مسکو گسترش یافته است. تا آنجا که به شهرستانها مربوط می‌شود، عده زیادی از رفقای که دارای معلومات عملی پیرامون این جنبش اند من گفته‌اند که در حال جمع‌آوری اطلاعات فراوانی درباره این شکل جدید کار اجتماعی هستند.

بهر صورت، ما فقط خواهیم توانست پس از آنکه موضوع چندین بار در مطبوعات و کنفرانسهای حزبی در شهرهای مختلف مورد بررسی و گفتگو قرار گرفت اطلاعات مختصری را بدست آوریم و بر اساس آن اطلاعات قادر خواهیم بود بگوئیم که آیا سوبوتنیکها واقعا "به یک پدیده توده‌ای تبدیل شده اند یا نه و آیا ما واقعا "به موفقیت‌های مهمی در این زمینه دست یافته ایم؟

نتیجه هر چه باشد و چه ما بزودی به چنین اطلاعات کامل و موثقی دست یابیم و چه به آن دست نیابیم، نباید تردیدی بخود راه دهیم که سوبوتنیکها تنها شواهد ما برای نشان دادن آن است که ما خود را فقط در تئوری کمونیست نمی‌خوانیم و نمی‌خواهیم که اسما "کمونیست باشیم، بلکه در واقع کاری که ما به آن دست یازیده‌ایم کاری کمونیستی است و نه فقط کاری سوسیالیستی. لذا هر کمونیست و هر کسی

که بخواهد به اصول کمونیسم وفادار باشد باید تمامی توجه و تمامی هم خود را صرف توضیح این پدیده و نیز اجرای عملی آن نماید. اینست اهمیت تئوریک سوبوتنیکها. لذا در هر کنفرانس حزبی ما باید مصرانه این مسئله را مطرح و از هر دو جنبه نظری و عملی آن را بررسی نماییم. نیاید این پدیده را به اهمیت نظری آن محدود ساخت. اهمیت بسزای سوبوتنیکهای کمونیستی تنها بخاطر آن نیست که اجرای عملی کمونیسم در آن ها متبلور میشود، بلکه علاوه بر این، سوبوتنیکها اهمیتی مضاعف دارند. از نقطه نظر کشور آنها بمثابة کمکی صرفاً " عملی بشمار می آیند و از نقطه نظر حزب - که در مورد ما اعضای حزب این موضوع نباید از نظر دور شود - سوبوتنیکها برای پاکسازی حزب از عناصر ناباهمیت دارند و در مبارزه علیه نفوذ حزب بهنگام زوال سرمایه داری واجد اهمیت میباشند.

مجموعه آثار،

جلد ۳۰ صفحه ۸-۲۸۶

نشر پروگرس، مسکو ۱۹۶۵

از:

سخنرانی درسومین کنگره اتحادیه کارگران سراسری

روسیه

۷ آوریل ۱۹۲۰ (۲۱)

... کار را بایده شیوه جدیدی سازمان داد و باید راههای جدیدی برای تشویق مردم به کار و رعایت انضباط در آن، اندیشید. حتی برای سرمایه داری هم دهها سال طول کشید تا این امر را انجام رساند. اشتباهات زیادی در این زمینه رخ میدهد. اکثر مخالفین ما در درک این مسئله کندذهنی زیادی از خود نشان می دهند. وقتی ما بر این عقیده بودیم که قدرت را می توان بدست آورد، آنها ما را خیال باف می خواندند. از طرف دیگر، آنها انتظار دارند که ما ظرف چند ماه کار را سازمان داده، آنرا تکمیل کنیم و نتایجی را ارائه دهیم که ارائه آن به چندین سال وقت احتیاج دارد. چه انتظار مضحکی! با توجه به شرایط سیاسی، قدرت را می توان صرفاً " به نیروی شور و اشتیاق کارگران حتی در عرصه جهانی نیز، بدست آورد. ما این را ثابت کرده ایم. ولی ایجاد اشکال جدید انضباط اجتماعی به دهها سال وقت احتیاج دارد. حتی سرمایه داری هم به دهها سال وقت برای دگرگونی نظام کهن احتیاج داشت. از نقطه نظر تئوریک، این انتظار که ما بتوانیم سازمان کار را ظرف مدت کوتاهی بازسازیم و این ایده را در اذهان کارگران و دهقانان تزریق نمائیم، انتظار پوچی بیست نیست.

مجموعه آثار،

جلد ۳۰، صفحات ۸-۵۰۷

نشر پروگرس، مسکو ۱۹۶۵

از فروپاشیدگی نظام کهن به خلاقیت نظام نوین

روزنامه، ما (۲۲) به موضوع کار کمونیستی اختصاص داده شده است. این مهمترین مسئله ساختمان سوسیالیسم است. مقدم بر هر چیز باید این نکته را بخوبی برای خود روشن ساخت که از لحاظ عملی این مسئله فقط پس از تصرف قدرت سیاسی توسط پرولتاریا، فقط پس از سلب مالکیت از ملاکین و سرمایه داران و فقط زمانی میتواند مطرح گردد که پرولتاریا قدرت دولتی را تصرف در آورده، به استعمارگران، که بمقاومت تاپای جان و شورشهای ضد انقلابی و جنگ داخلی پرداخته بودند، بطور قطعی غلبه کرده باشد.

در آغاز سال ۱۹۱۸ بنظر میرسید که این زمان در رسیده است و واقعا "هم پس از لشکرکشی امپریالیسم آلمان بر ضد روسیه در ماه فوریه (سال ۱۹۱۸)، این زمان فرارسید. ولی آن زمان بحمدی کوتاه مدت بود و موج جدید و نیرومند تر شورشها و تهاجمات ضد انقلابی با چنان سرعتی دامن گرفت که حکومت شوروی امکان نیافت و لو اندکی هم که شده با دقت و پشتکار به مسائل ساختمان صلح آمیز بپردازد. اکنون ما دو سال پرازدشواریهایی بینظیر و تصورناپذیر و گرسنگی و محرومیت و بدبختی را بسر رسانده ایم و در عین حال ارتش سرخ به پیروزیهای بینظیری بر اردوهای غارتگر ارتجاع سرمایه داری بین المللی نائل آمده است.

اکنون جدا "میتوان امیدوار بود (هرآینه سرمایه داران فرانسه غفلت" لهستان را به جنگ برنیا ندگیزند) که ما به صلحی پایدار تر و طولانی تر نائل خواهیم شد.

طی این دو سال ما در رشته ساختمان مبتنی بر پایه سوسیالیسم تجربیات چندی اندوخته ایم. بدینجهت ما میتوانیم و موظفیم موضوع کار کمونیستی را چنانکه باید و شاید مطرح سازیم. ضمناً "صحیحتر است اگر بجای کار کمونیستی بگوئیم کار سوسیالیستی، زیرا سخن بر سر

مرحله پائینی یعنی مرحله اولیه تکامل نظام اجتماعی نوین است که از درون سرمایه داری پدید می آید، نه بر سر مرحله عالی آن. کار کمونیستی به مفهوم محدود و اکید کلمه، عبارتست از کار بی مزد بنفع جامعه، کاریکه برای ادای تکلیف معین، برای تحصیل حق استفاده از محصولات معین و بر طبق موازینی که قبلاً مقرر گردیده و صورت قانونی بخود گرفته است، انجام نمیگیرد بلکه داوطلبانه، علاوه بر میزان معین، بدون توقع پاداش، بدون شرط پاداش و بر سبیل عادت به کار کردن بنفع جامعه و آگاهی (کسب شده از طریق عادت) به ضرورت کار بنفع جامعه و بعنوان حاجت بدن سالم، انجام میگیرد.

بر هر کس واضح است که ما یعنی جامعه ما، نظام اجتماعی ما از مرحله ایکه در آن این شیوه کار در مقیاسی وسیع و واقعاً "توده ای" عملی گردد، هنوز خیلی دوریم.

ولی همین مطلب که این مسئله مطرح شده و آنرا هم پرولتاریای پیشرو (حزب کمونیست و اتحادیه ها) وهم دولت مطرح ساخته اند، خود گامیست که در این راه به پیش برداشته شده است. برای رسیدن به کلان باید کار را از خرد آغاز نمود.

از طرف دیگر پس از رسیدن به "کلان" یعنی پس از انقلابی که مالکیت سرمایه داران را منقرض کرد و حکومت را به پرولتاریا تفویض نمود، بنای زندگی اقتصادی مبتنی بر پایه نوین را فقط میتوان از خرد آغاز کرد.

شبه های کمونیستی، ارتشهای کار، کارموظف، همه اینها شکلهای گوناگون اجرای عملی کار سوسیالیستی و کمونیستی است. در اجرای این کار هنوز نقصانهای فراوانی وجود دارد. فقط کسانی میتوانند در این مورد به تمسخر (یا خشم) اکتفا ورزند که بهیچ وجه قدرت تفکر نداشته باشند و یا اینکه مدافع سرمایه داری باشند. نقصان و اشتباه و خطا در کاری اینقدر جدید و اینقدر دشوار و خطیر اجتناب ناپذیر است. کسیکه از دشواریهای ساختمان سوسیالیسم میترسد، کسیکه در مقابل این دشواریها بوحشت دچار میشود، کسیکه به نومییدی یا سرآسیمگی بزدلانه دچار میگردد، سوسیالیست نیست.

برقرار ساختن انضباط نوین در کار، استقرار شکل‌های نوین روابط اجتماعی بین افراد، استقرار شکل‌ها و شیوه‌های نوین جلب افراد به کار - امریست که سال‌ها و ده‌ها سال وقت لازم دارد.

این پراجرترین و پراجرترین کارهاست.

این برای ما مایه خوشبختی است که پس از سرنگون ساختن بوزواری و درهم شکستن مقاومت وی، توانسته ایم برای خود زمینه‌ای فراهم سازیم که در آن چنین کاری امکان پذیر شده است.

ما با تمام انرژی خود با انجام این کار همت خواهیم گماشت. پایداری، پافشازی، آمادگی، عزم و توانائی صدارت‌آزمودن و صد با اصلاح کردن و بهر قیمتی شده به مقصود خود نائل آمدن، اینها صفاتیست که پرولتاریا ۱۰، ۱۵، ۲۰ سال قبل از انقلاب اکتبر در خود پرورش داده است. اینها صفاتیست که پرولتاریای دو سالی که از انقلاب گذشته است، با تحمل محرومیت‌های بی‌سابقه و گرسنگی و خانه خرابی و بدبختی، در خود پرورش داده است. این صفات پرولتاریا و شیعه پیروزی پرولتاریاست.

آوریل ۱۹۲۰

مجموعه آثار،

جلد ۳۰، صفحه ۸-۵۱۶

نشر پروگرس، مسکو ۱۹۶۵

سخنرانی درگردهمآشی گذاشتن سنگ
بنای یادبود کارآزادشده
اول ماه مه ۱۹۲۵
گزارش روزنامه

(رفیق لنین به روی سکوی سخنرانی می‌رود و حضار با کف زدن از او استقبال می‌کنند).
رفقا! این محل روزی بنای یادبود یک تزار بود. امروز ما سنگ بنایی را برای یادبود شکوه مندم کارآزادشده پی می‌ریزیم. سرمایه - داران عادت داشتند از آزادی کار صحبت کنند درحالیکه کارگران و دهقانان ناگزیر از فروش نیروی کار خود بی‌توان بودند و تنها آزاد بودند که از گرسنگی بمیرند. ما این نوع کار را بردگی مزدوری میخوانیم. ما باین امر واقفیم که سازمان دادن کارآزاد بشیوه درست و کار در شرایط مشقت باری که در آن بصرمی‌پریم، امر ساده ای نیست. سوبوتنیک امروزی اولین گامی است که در این راه برداشته میشود و با ادامه دادن این راه ما می‌توانیم آنچه‌ان کاری را ایجاد کنیم که واقعا "آزاد باشد. (کف‌زدنهای ممتد حاضران)

از اولین سوبوتنیک در راه آهن مسکو - غازان
تا سوبوتنیک روزگار گرسرتا سرروسیه (۲۳)

عنوان فوق نشانگر مسافتی (راه آهن مسکو - غازان) میباشد که تنها در یکسال انجام شده است و این مسافت زیادی است. اگرچه تمام سوبوتنیکهای ما هنوز ضعیفند و هر سوبوتنیک نواقص زیادی در ترتیبات، سازمان و انضباط از خود نشان میدهد، معذراً موضوع اصلی انجام یافته است. کاری سنگین و عظیم صورت گرفته و این کسبه مطلب است.

ما خود را حتی یک ذره هم در مورد کار کوچکی که تا حال انجام شده و کار بی اندازه بزرگی که در پیش است فریب نمی‌دهیم؛ با اینحال این تنه‌دشمنان کینه توز زحمتکشان و حامیان کینه توز بورژوازی هستند که به سوبوتنیک روز اول ماه مه به دیده تحقیر می‌نگرند؛ تنه‌پست‌ترین مردمی که خود را برای همیشه سرمایه‌داران فروخته اند هستند که اجازه محکوم کردن ابتکار جشن بزرگ اول ماه مه بمنظور کوشش همه جانبه برای کار کمونیستی را بخود می‌دهند.

این اولین بار پس از سرنگونی تزارها، زمینداران و سرمایه‌دارهاست که زمینه برای ساختمان واقعی سوسیالیسم، برای پیشرفت روابط اجتماعی نوین، انضباط نوین کار مشترک و یک نظام اقتصاد ملی (وبعداً "بین‌المللی) با اهمیت تاریخی فراهم شده است. این موضوع مربوط است به دگرگونی عادات مردم، عاداتی که برای مدتهای مدید توسط مالکیت خصوصی لعنتی بروسایل تولید، و نیز توسط تمامی جوستیزه جوئی، عدم اعتماد، خصومت، عدم اتحاد و دسیسه متقابل که بطور اجتناب ناپذیری توسط اقتصاد خرد فردی، اقتصاد مالکیت خصوصی در شرایط مبادله "آزاد" در میان آنها بوجود آمده - و همواره مجدداً "بوجود خواهد آمد - ملوث شده و به پستی گرائیده است. صدها سال است که آزادی تجارت و مبادله برای

میلیونها نفر از مردم بمثابه انجیل مقدس ، عقل اقتصادی و عادت ریشه دار صدها و صدها میلیون نفر از مردم بوده است . این آزادی ، به همان اندازه کاذب و در خدمت کشیدن نقاب بر چهره سرمایه داری و زور و استثمار است ، که سایر "آزادیها" مانند "آزادی کار" (فی الواقع آزادی گرسنگی کشیدن) و غیره مورد ادعای بورژوازی بوده و توسط او ساخته و پرداخته می شوند .

در اصل ، ما برای همیشه از این "آزادی" تملک برای مالک بودن ، و این "آزادی" سرمایه برای استثمار کارگر ، جدا شده و کار را یکسره خواهیم کرد . ما بیرحمانه و با تمام قدرتمان با بقایای آن خواهیم جنگید .

نایوبی در روابط اجتماعی قدیمی ، روابط اقتصادی قدیمی ، "آزادی" قدیمی کار (در انقیاد سرمایه) ، قوانین قدیمی و عادات قدیمی!

بیا بیاید جا معه نوینی بنا کنیم !

شکستهای دوره جنگ بزرگ انقلابی علیه تزارسم ، علیه بورژوازی ، علیه قدرتهای سلطه گرامپریالیسم جهانی مارا به وحشت نیا نداشت .

مشکلات عظیم و اشتباهاتی که در آغاز راه غیر قابل اجتنابند ، مارا به وحشت نخواهد انداخت ، دگرگونی کلیه عادات و رسوم کار ، به دهها سال وقت احتیاج دارد . ما قطعانه بیکدیگر قول می دهیم که از هیچگونه فداکاری دریغ نخواهیم کرد . پایداری خواهیم کرد و در این سختترین مبارزه به پیروزی خواهیم رسید . مبارزه علیه نیروی عادت - و قول می دهیم که سالها و سالها بطور خستگی ناپذیر مبارزه کنیم . ما برای از میان برداشتن این پندکذائی: "هرکس باید برای خودتقلا کند چرا که شیطان همواره نفر آخر را می گیرد" و از بین بردن عادت نگاه کردن به کار ، صرفاً "بعنوان یک وظیفه ، و تنها بر حق دانستن آن کاری که در قبال آن مزد به نرخ های معینی پرداخت می شود ، با توافق مبارزه خواهیم کرد . ما کوشش می کنیم تا قانون: "همه برای یکی و یکی برای همه" و قانون: "هرکس بقدر توانش و به هر کس بقدر نیازش" را در اذهان مردم جایگیر کنیم ، آنرا بصورت یک

عادت درآورده و به میان زندگی روزمره توده‌ها ببریم، ما برای برقراری تدریجی ولی پیوسته انضباط کمونیستی و کار کمونیستی تلاش خواهیم کرد.

ما کوهی عظیم را جا بجا کرده‌ایم، توده‌ای عظیم از محافظه‌کاری، ناآگاهی، پیروی لجوجانه از عادات "آزادی تجارت" و خرید و فروش "آزاد" نیروی کار انسان، بمانند هر کالای دیگر را. مارشکس کن کردن و نابود ساختن استوارترین تعصبات و دیرپا ترین عادت‌ها را آغاز کرده‌ایم. تنها در یکسال سوبوتنیکهای ما گامی عظیم به پیش نهاده‌اند. آنها هنوز بسیار ضعیفند ولی این باعث وحشت ماست. ما در مقابل دیده‌هایمان مشاهده کرده‌ایم که دولت شوراهای "بسیار ضعیف‌مان" در نتیجه تلاشهای خودمان، نیرو گرفته و می‌رود که به نیرویی قدرتمند در عرصه جهان تبدیل شود. ما سالها و سالها کار خواهیم کرد و سوبوتنیکها را برپا خواهیم ساخت، آنها را پیش خواهیم برد، گسترشان خواهیم داد و بهبودشان خواهیم بخشید و آنها را به یک عادت تبدیل خواهیم کرد. ما به پیروزی کار کمونیستی دست خواهیم یافت.

مه ۱۹۲۰

مجموعه آثار،

جلد ۳۱، صفحات ۲۵-۱۲۳

نشر پروگرس، مسکو ۱۹۶۶

وظیفه سازمانهای جوانان
(سخنرانی در سومین کنفرانس کشورهای سازمان کمونیستی
جوانان روسیه)
۲ اکتبر سال ۱۹۲۰

... لذا سازمان کمونیستی جوانان باید تحصیل خود و آموزش و پرورش خود را با کارگران و دهقانان توأم سازد و در چهار دیوار مدارس خود محدود نگردد و تنها به قرائت کتب و رسالات کمونیستی اکتفا نرزد. فقط در جریان کار با کارگران و دهقانان میتوان به کمونیستهای واقعی بدل گردید. لذا باید همه به بیندکه هر فردی که عضو سازمان جوانان است با سواد است و در عین حال از عهده کار کردن هم برمی آید. وقتی همه ببینند که ما چگونه شیوه تأدیبی قدیم را از مدارس بر انداخته انضباط آگاهانه را جایگزین آن ساخته ایم و چگونه هر جوانی در کارشبه های کمونیستی شرکت میورد و چگونه آنها از هر استان اطراف شهر برای کمک با هالی استفاده مینمایند، آنوقت دیگر مردم بچشم سابق به کار نگاه نخواهند کرد.

وظیفه سازمان کمونیستی جوانان آنستکه موجبات کمک به انجام کارهای نظیر (مثال کوچکی را در نظر میگیرم) تا مین نظافت یا تقسیم غذا را درده و یاد بریزن خود فراهم سازد. اینکار در جامعه کهنه سرمایه داری چگونه انجام میگرفت؟ هرکس فقط برای خود کار میکرد و هیچکس توجهی به اینکه در اینجا سالخورده یا بیماری وجود دارد نداشت و یا اینکه همه کار منزل بدوش زن میافتاد که بهمین جهت هم تحت ستم و در حالت اسارت بسر میبرد. چه کسی باید علیه این جریان مبارزه کند؟ سازمانهای جوانان که موظفند بگویند: ما این جریان را درگون خواهیم ساخت، مادسته هایی از جوانان تشکیل خواهیم داد تا با مرتاء مین نظافت و توزیع غذا کمک نمایند و مرتاء "به خانه های سرکشی کنند و بشیوه ای متشکل بنفع همه جامعه فعالیت نمایند و در این کار نیروها را صحیحا "تقسیم کنند و ثابت نمایند که کار با دید صورت متشکل

داشته باشد.

آن نسل، که نمایندگان آن اکنون در حدود ۵۰ سال دارند، نمیتوانند امیدوار باشند که جامعه کمونیستی را خواهند دید. تا آن زمان این نسل عمر خود را بپایان خواهد رسانید، ولی آن نسلی که اکنون ۱۵ سال دارد، هم جامعه کمونیستی را خواهد دید و هم خود این جامعه را بنا خواهند نمود (۲۴). و این نسل باید بدانند که تمام وظیفه زندگی وی عبارتست از ساختن این جامعه. در جامعه کهنه کار توسط خانواده - های جدا جدا انجام میگرفت و هیچکس جز ملاکین و سرمایه دارانی که توده های مردم را در معرض ستم قرار میدادند، کار را متحد نمیساخت. ولی ما باید هر کاری را، هر قدر هم چرکین و دشوار باشد، چنان سازمان دهیم که هر کارگر و دهقان بخود اینطور بنگرد که: من جزئی از ارتش عظیم کارآزادم و خود خواهم توانست زندگی خود را بدون ملاکین و سرمایه داران بنانم و خواهم توانست نظام کمونیستی را مستقر سازم. سازمان کمونیستی جوانان باید همگان را از سن جوانی در جریان کار آگاهانه و از روی انضاط تربیت نماید. بدین طریق است که ما میتوانیم امیدوار باشیم که وظایف مطروحه فعلی عملی خواهد شد. ما باید چنین حساب کنیم که حداقل ده سال برای الکتریفیکاسیون کشور لازم است تا سرزمین بینوا شده ما بتواند از آخرین دستاوردهای تکنیک استفاده کند. لذا نسلی که اکنون ۱۵ سال دارد و پس از ۱۰-۲۰ سال در جامعه کمونیستی زندگی خواهد کرد، باید تمام وظایف تحصیلی خود را طوری طرح نماید که هر روز در هردهی و در هر شهری جوانان فلان یا بهمان وظیفه خود را در مورد کار عمومی، ولو وظیفه بسیار کوچک و بسیار ساده ای هم باشد عملاً انجام دهند. به نسبتی که این عمل در هردهی انجام گیرد، به نسبتی که دامنه سابقه سوسیالیستی بسط یابد و به نسبتی که جوانان ثابت نمایند که قادر به متحد ساختن کار خود هستند، بهمان نسبت موفقیت ساختن کمونیستی تا مین خواهد بود. فقط در صورتیکه ما به هر گام خود از نقطه نظر موفقیت این ساختن بنگریم و فقط در صورتیکه از خود بپرسیم که آیا ماهمه چیز را انجام داده ایم تا زحمتکشان آگاه متحدی باشیم، سازمان کمونیستی جوانان خواهد توانست نیم میلیون عضو خود را در یک ارتش واحد کار متحد

سازد و احترام همگانی را بسوی خود جلب نماید.

مجموعه آثار،

جلد ۳۱، صفحات ۹ - ۲۹۸

نشر پروگرس،

مسکو ۱۹۶۶

از:

گزارش پیرامون کار شورای کمیسارهای خلق
به هشتمین کنگره سراسری شوراها - ۲۲ دسامبر ۱۹۲۰

... این کافی نیست که به کارگران و دهقانان گفته شود که نهایت انضباط را در کار رعایت نمایند. ما نیز باید آنها را کمک کنیم و باید به آنها ای که از سختی های زیاد رنج می برند و به نمایندگی قهرمانی در جبهه کار ادامه می دهند، پاداش دهیم. ما تاکنون صندوق ذخیره ای ایجاد کرده ایم که شیوه مصرف آن رضایت بخش نیست. ما اعضای شورای کمیسارهای خلق نشانه های زیادی در دست داریم که اغلب در عمل افزایش دستمزدها بعنوان نوعی پاداش جلوه می کند. هنوز هم کار زیادی هست که باید در این مورد انجام شود. کار کنفرانسها و پیش نویس برنامه های مکمل در مرکز باید با کار بسیار مهم دیگری پیوندی بد که کار در محل و در میان توده هاست. فهم این مشکل نیست که دولت نه تنها کارگران را ترغیب بلکه با ایجاد شرایط بهتر زندگی برای آنها، به آنها پاداش می دهد. برای فهم این مطلب نباید سوسیالیست بود. در اینجا می توانیم قبلاً "از علاقه توده های غیر حزبی کارگران و دهقانان مطمئن باشیم. تنها کاری که باید بکنیم همانا سازمان دادن و شناساندن این کار به طریق عملی تر در مناطق مختلف می باشد.

مجموعه آثار،

جلد ۳۱، صفحات ۹ - ۵۰۸

نشر پروگرس، مسکو ۱۹۶۶

از :

سخنرانی در چهارمین جلسه کمیته اجرائی مرکزی سراسری

روسیه

نشست نهم ، ۳۱ اکتبر ۱۹۲۲

به عقیده من علیرغم این واقعیت که ممکن است در نظر اول مسایل مورد بحث بسیار مهم جلوه نکند ، موفقیت ما در این زمینه اِیـدا "کوچک نبوده است . اولین قانونی را که شما تا کنون تصویب نموده اید یعنی قانون کار (۲۵) را در نظر بگیرید . در زمانیکه طبقه کارگر کلیه کشورهای دیگر با حملات سختی مواجه است ، تصویب قانونی که قاطعانه مقرراتی چون هشت ساعت کار در روز وضع می‌کند ، بمثابة پیشرفت عظیمی برای حکومت شوروی به حساب می‌آید . درست است که مردمی هستند که شاید انتظارات بیشتری از این قانون دارند ، لکن به نظر من چنین انتظاری کاملاً غیرموجه می‌باشد .

مجموعه آثار ،

جلد ۳۳ ، صفحه ۳۹۱ ،

نشر پروگرس ، مسکو ۱۹۶۶

توضیحات

- ۱ - بلینسکی، ویساریون گریگوریویچ (۱۸۱۱-۴۸) - دموکرات انقلابی روسیه، منتقد ادبی، نویسنده وایدنولوگ دهقانانی که علیه نظام سرواژ مبارزه می‌کردند.
- ۲ - مارکس، نامه به ویلهلم براکه، مورخ ۵ مه ۱۸۷۵
- ۳ - نقل قولی از فافوست اثر گوته، قسمت اول، صفحه ۴ - اطاق کار فافوست.
- ۴ - در طرح کلی پیش‌نویس برنامه، لنین محتوای یک برنامه جدید حزبی و وظایف سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی حزب را مطرح ساخت. لنین با قایل شدن اهمیت عظیمی برای تجربه تکامل سوسیالیستی، اعتقاد داشت که برنامه باید به کارگران سوسیالیست کشورهای نشان دهد "... ما چه کرده‌ایم، چگونه آنرا آغاز کرده‌ایم..." (مجموعه آثار جلد ۲۷ صفحه ۱۳۴). در عین حال او عقیده داشت که گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم در کشورهای مختلف اشکال گوناگونی بخود می‌گیرد. طرح کلی در میان نمایندگان کنگره هفتم (فوق العاده) حزب کمونیست شوروی (بلشویکها) که در مورد اصلاح برنامه حزب به بررسی مشغول بودند، توزیع گردید. بهر صورت، کنگره طرح را مطلقاً مورد بررسی قرار نداد و بجای آن تصمیم گرفته شد کمیسیونی به سرپرستی لنین بمنظور تهیه برنامه‌های که بعداً "در کنگره هشتم در مارس ۱۹۱۹ به تصویب رسید، تشکیل گردد. وظایف سازمان سوسیالیستی کاربنحوی که لنین در طرح کلی تهیه کرده بود در آن برنامه مورد مطالعه و بررسی بیشتری قرار گرفت.
- ۵ - متن اصلی مقاله "وظایف فوری دولت شوروی" در روزهای ۲۳ تا ۲۸ مارس ۱۹۱۸ توسط لنین به یک تندنویس دیکته شد. ظاهراً این مقاله برای مقدمه بحث پیرامون طرح توسعه ساختمان سوسیالیستی در کمیته مرکزی حزب تهیه شده بود.

- ۶ - تیلور، فردریک وینسلو (۱۹۱۵ - ۱۸۵۶)
- مهندس برجسته آمریکائی، رئیس انجمن مهندسين مکانیک آمریکا، موسس سازمان علمی کار که مدعی ابداع حداکثر استفاده از کار روزانه و استفاده معقول از وسایل تولید بود. این روش در سرمایه‌داری برای افزایش استثمار انسان از انسان بکار می‌رود.
- ۷ - قانون اجتماعی کردن زمین که در ژانویه ۱۹۱۸ تصویب شد، تقسیم مساوی زمین را تصریح می‌کرد. خواسته‌ای که توسط دهقانان عنوان شده بود. دولت شوروی کلیه زمینها را مصادره و آنها را ملی کرد. این اقدامات، اساس برنامه‌های اصلاحات ارضی حزب را تشکیل می‌داد. در آن شرایط، اجتماعی کردن زمین اقدامی بود انقلابی، اقدامی که شروط اولیه تحول سوسیالیستی کشاورزی، یعنی اشتراکی کردن اراضی و طلبانه اقتصاد دگرگون‌سازی ناهماهنگ دهقانی و تاسیس موسسات بزرگ مزارع سوسیالیستی و تعاونی را بدنبال داشت.
- ۸ - اثرلین بنام وظایف فوری دولت شوروی که اساس عمده طرح علمی ساختمان سوسیالیسم را تشکیل می‌داد طبق تصمیم کمیته مرکزی حزب در یک جزوه جداگانه و همچنین در روزنامه‌های مرکز به چاپ رسید. این اثر به زبانهای انگلیسی، فرانسه و آلمانی هم ترجمه شده است.
- ۹ - کرنسکی، الکساندر فیودورویچ (۱۹۷۰-۱۸۸۱) یکی از چهره‌های فعال حزب سوسیالیست انقلابی (اس.آ.ر.). پس از انقلاب بورژوا - دموکراتیک فوریه ۱۹۱۷ و سقوط حکومت خودکامه تزاری، کرنسکی یک وزیر بود و سپس رئیس دولت موقت بورژوازی و فرمانده کل قوای ارتش روسیه شد. پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ و علیه دولت شوروی جنگید و یکی از برگزارکنندگان راهپیمایی ضد انقلابی در پتروگراد (که حالا لنینگراد نام دارد) پایتخت آن موقع کشور، بود. پس از شکست این مبارزه او بخارج از کشور گریخت تا دست با اقدامات خرابکارانه علیه شوروی بزند.
- ۱۰ - کرنیلف، ال. جی. (۱۹۱۸-۱۸۷۰) - ژنرال تزار و سلطنت طلبی که یک شورشی ضد انقلابی را در اوت ۱۹۱۷ رهبری کرد. او یکی از

سازماندهندگان و سپس فرمانده "ارتش داوطلبان" ضد انقلابی
بود.

۱۱- عهدنامه برست - عهدنامه صلح که در تاریخ سوم مارس در برست
لیتوفسک بین روسیه شوروی و کشورهای بلوک آلمان (آلمان ،
مجارستان اتریش ، بلغارستان و ترکیه) با مضاء رسید و در ۱۵
مارس ۱۹۱۸ تصویب شد . شرایط این عهدنامه برای روسیه شوروی
بسیار سخت بود و بر اساس آن قسمت زیادی از سرزمین شوروی به
کنترل آلمان و مجارستان اتریش درآمد . پس از انقلاب در
آلمان که پادشاهی را ساقط کرد ، کمیته اجرایی مرکزی سراسری
روسیه بالاترین دستگاه اجرایی کشور ، این عهدنامه نابرابر
را در ۱۳ نوامبر ۱۹۱۸ ملغی ساخت .

۱۲- پرداخت قطعه کاری مبتنی بر کیفیت و کمیت کار مطابق اصل
سوسیالیستی توزیع کار انجام شده ، می باشد .

۱۳- حق رازداری تجارتي ، که مورد حمایت قوانین سرمایه داری است ،
تمامی امر تولید ، تجارت و عملیات مالی و کلیه اسناد مربوط را
در موسسات خصوصی سرمایه داری ، محرمانه نگه میدارد . لنین
نشاند که رازداری ، وسیله ای سرمایه داری است که برای پنهان
نگهداشتن کلاهبرداریهای مالی و سودهای کلان سرمایه داری بزرگ
بکار می رود و اعلام داشت که رازداری تجارتي باید از میان برداشته
شود . پس از انقلاب سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ با وضع قانون کنترل
کارگران که توسط کمیته اجرایی مرکزی سراسری روسیه و شوروی
کمیسارهای خلق (دولت) در ۱۴ نوامبر ۱۹۱۷ به تصویب رسید ،
به این هدف دست یافته شد .

۱۴- ایتکار عظیم ، اثر لنین ، در یک جزوه جداگانه در ژوئیه ۱۹۱۹ توسط
یکی از ناشرین دولتی در مسکو بطبع رسید .

۱۵- پراودا (حقیقت) - ارگان کمیته مرکزی حزب توسط لنین در ۵ مه
۱۹۱۲ تاسیس شد .

۱۶- کلچاک ، و. آ. (۱۹۲۵-۱۸۷۳) - آدمیرال تزاری و یکی از رهبران
ضد انقلابی روسیه در سال ۱۹-۱۹۱۸ . او پس از انقلاب سوسیالیستی
اکتبر ۱۹۱۷ با حمایت امپریالیستهای آمریکا ، بریتانیا و فرانسه

خود را "حکمران عالی روسیه" خواند و در راس دیکتاتوری نظامی بورژوا - زمینداران در قسمت عظیمی از اورال، سیبری و شرق دور قرار گرفت. حمله ارتش سرخ و جنبش چریکی انقلابی به حکومت کلچاک پایان داد.

۱۷- اشاره به توطئه تسلیم پتروگراد توسط عناصر ضد شوروی و یک سازمان جاسوسی مخفی در ژوئن ۱۹۱۹. کسانی که در این توطئه شرکت داشتند عبارت بودند از گروه صدنفری سیاه (اعضای با صطلاح سوتنیای سیاه، واحدی که ابتدا از صدنفرتشکیل شده بود - سازمانهای ارتجاعی سلطنت طلب که توسط دولت تزاری برای مبارزه با انقلاب ایجاد شده بودند)، کادتها (اعضای حزب مشروطه خواهان دموکراتیک، حزب اصلی سیاسی بورژوازی امپریالیستی روسیه)، منشویکها (نمایندگان جریان اپورتونیستی افراطی در سوسیال - دموکراسی روسیه، حزب ضد انقلابی خرده بورژوازیی و ترکیبی از اپورتونیسم بین المللی)، اس. آر.ها (سوسیالیست - انقلابی، اعضای حزب خرده بورژوازیی که نقش رهبری پرولتاریا را در انقلاب رد می کرد. آنها قشر بندی طبقات و تضادهای موجود درون دهقانان را نادیده می گرفتند و به بلندگوی سرمایه داران ده تبدیل شده بودند. چیزی به انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ نمانده بود که اس. آر.ها به حزبی ضد انقلابی تبدیل شدند). این توطئه ضد شوروی در عرض چند روز متلاشی شد.

۱۸- اشاره به برنامه حزب که در کنگره هشتم حزب کمونیست روسیه (بلشویکها) در ۱۹۱۹ تصویب شد.

۱۹- با تصویب کمیسارهای شورای خلق در ۱۶ مارس ۱۹۱۹ تعاونیهای مصرف در یک واحد توزیعی بنام "کمون مصرف" وحدت و تجدید سازمان یافت. نام جدید در بعضی از مناطق منجر به سوء تفاهمات و تفسیرهای نادرستی از تصویبها می گردید. کمیته مرکزی اجرایی سراسر روسیه در تصمیم خود در مورد "انجمنهای مصرف کارگران و دهقانان" در ۳ ژوئن ۱۹۱۹ ضمن تأیید تصویبها این نام را به "انجمنهای مصرف" که برای مردم آشنا بود، تغییر داد.

- ۲۰- لنین به "تزه‌های کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه (بلشویکها) در مورد وضع جبهه شرق" اشاره می‌کند که در ۱۱ آوریل ۱۹۱۹ نوشته شد، در آن کمیته مرکزی از همه سازمانهای حزبی و اتحادیه‌های کارگری درخواست کرد که "با روحیه انقلابی به کار بپردازند".
- ۲۱- سومین کنگره اتحادیه کارگری سراسری روسیه که به وظایف توسعه اقتصادی رسیدگی می‌کرد، توجه زیادی به مشکلات سازمان دادن کارگران مبذول داشت. نمایندگان پس از استماع گزارش‌های پیرامون فعالیت‌های کمیسارهای کار خلق، سیاست تعرفه بندی و سایر مطالب را مورد بررسی قرار دادند. پس از شنیدن سخنان لنین، کنگره تصمیم گرفت طی درخواستی از کارگران و هم‌همه زحمتکشان روسیه بخواهد که با تمام نیرو با اشفتگی اقتصادی مبارزه نمایند و بدون فوت وقت در تمام سازمانهای کارگری انضباط شدیدکاری اعمال نموده و مبارزه در راه وحدت توده‌ها را برای ساختمان سوسیالیسم تشدید نمایند.
- ۲۲- اشاره به روزنامه کمونیستیشکی سوبوتنیک (سوبوتنیک یبنا شنبه‌های کمونیستی) که تنها یکبار در ۱۱ آوریل ۱۹۲۰ به ابتکار کمیته حزبی مسکوانتشار یافت. این روزنامه توسط سردبیران تعدادی از روزنامه‌های مرکز در سوبوتنیک دهم آوریل تهیه و در آن روز چاپ و روز بعد طی کاردا و طلبانه روزیکشنبه توزیع گردید. مقاله لنین بنام "از فروپاشیدگی نظام کهن به خلافت نظام نوین" در این روزنامه درج شده بود.
- ۲۳- اولین سوبوتنیک کمونیستی در ۱۲ آوریل ۱۹۱۹ برگزار شد. "مبتکرین آن کارکنان راه آهن انبار خط مسکو-غازان بودند. تجربه اولین سوبوتنیک کمونیستی در اثر لنین بنام ابتکار عظیم (قهرمانی کارگران در پشت جبهه "سوبوتنیکهای کمونیستی") جمع بندی شد. سوبوتنیک اول ماه مه سراسری روسیه در اول مه ۱۹۲۰ با شرکت تنها ۴۲۵۰۰۰ نفر در مسکو تشکیل شد که به همراه لنین و سربازان کرملین خرده سنگهای حیاط کرملین را پاک کردند. مقاله لنین بنام "از اولین سوبوتنیک در راه آهن مسکو-غازان تا سوبوتنیک سرتاسر روسیه اول ماه مه" در روزنامه یک روزه

سبوتنیک اول مه در ۲ مه ۱۹۲۰ انتشار یافت. این روزنامه روز قبل از آن توسط سردبیران روزنامه‌های مرکز تهیه شده بود. سبوتنیک‌های کمونیستی به سنتی تبدیل شده و معمولاً "به یاد بود زاندرولنین در آوریل هر سال برگزار می‌شوند. مثلاً" در سال ۱۹۷۸ بیش از ۱۴۷ میلیون نفر در روز یکشنبه ۲۲ آوریل به کسار داوطلبانه پرداختند و در آن روز صنایع شوروی کالاهایی با ارزش ۷۹۴ میلیون روبل تولید نمود. مبلغ ۱۶۳ میلیون روبل دیگری که مردم در این روز بدست آوردند به ساختن موسسات بهداشتی، مدارس روستایی، کودکانستانها و مراکز مراقب روزانه اختصاص داده شد.

۲۴- لنین اغلب نسبت به مفاهیم ساده سوسیالیسم و تحول آن به کمونیسم هشدار می‌داد. او برای این عقیده بود که مراحل پایین و بالای کمونیسم ممکن است با زمان تغییر یابد.

۲۵- قانون کار که توسط چهارمین نشست کمیته اجرایی مرکزی نهمین اجلاس عمومی سراسری روسیه در اکتبر ۱۹۲۲ تهیه شد، اسلوب قانون سوسیالیستی شوروی را که کارگران و کارکنان را تنظیم می‌کرد، تدارک دید. این قانون توجیه قانونی به تعدادی از دستاوردهای اجتماعی - سیاسی دولت سوسیالیستی داد. ۸ ساعت کار در روز، مرخصی سالیانه با حقوق، حمایت کارگری، توجه مخصوص به زنان کارگر و بیمه‌های اجتماعی.

پایان



بها ۶۵ ريال

ديجيتال كننده : نينا پويات